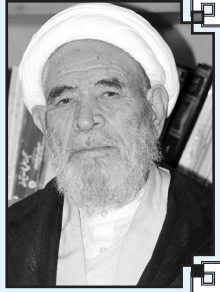


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



آیت الله مصطفی
اعتمادی از
اساتید برجسته
حوزه علمیه
درگذشت



سال سی و ششم ♦ شماره ۲۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۱۸ ♦ نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

مسئله کودتا و گریزی به صحرائ کر بلای طهران!



آیت الله سیدهادی خسروشاهی، پژوهشگر و محقق پیشکسوت تاریخ معاصر طی یادداشتی که در اختیار «نسیم آنلاین»، قرار داد به نقد سخنان صادق زیبا کلام پیرامون نهضت نفت پرداخت.

متن یادداشت این استاد تاریخ معاصر به شرح زیر است:

دوست عزیز آقای دکتر صادق زیباکلام، هرچندی یکبار که به بهانه‌ای نامی از کودتای ۲۸ مرداد به میان می‌آید، گریزی هم به صحرائ کر بلای تهران می‌زند و با کنایه ابلغ من التصريح به عوامل کودتا اشاره می‌کند و البته برای

ایشان فرقی هم نمی‌کند که یاد آورنده حادثه کیست و چه هدفی دارد؟ ایرانی ملی‌گرا است یا یک امریکایی جدید الحدوث که می‌خواهد رئیس جمهور بشود؟ در واقع آنچه که برای ایشان مطرح است اینست که: اصلاً کودتای ۲۸ مرداد چگونه اتفاق افتاد؟ و از نظر ایشان قضیه اینطور نبوده که صبح روز ۲۸ مرداد، گروه قلیلی در جنوب شهر جاویدشاه‌گویان به مرکز شهر بیایند و به تدریج جمعیت آنها افزون گردد و به چندین هزار نفر برسد که بعد هم همه جا را می‌گیرند! و کودتا انجام می‌شود! ایشان شاید برای چندمین بار، که دیده‌ام، از خودا می‌پرسد: «یک سؤال خیلی ساده که در این ۶۲ سال از خودمان نپرسیده‌ایم این است که طرفداران دکتر مصدق که از ساعات ابتدایی صبح که می‌دیدند دارد کودتا می‌شود، کجا بودند؟ آیت الله کاشانی که می‌گوید به دکتر مصدق نامه نوشته و به او هشدار داده که سرلشکر زاهدی دارد اقدام به کودتا می‌کند، خود چرا اقدامی برای جلوگیری از کودتا نکرد؟... طرفداران مصدق و آیت الله کاشانی و نواب صفوی کجا بودند؟ خود نواب صفوی کجا بود؟ مجاهدین اسلام کجا بودند و غیره و ملی‌گرایان کجا بودند؟... الخ!

♦ گویا آقای زیباکلام نمی‌دانند در دوران مصدق بر پایه گزاران نهضت ملی چه گذشت! ظاهراً آقای دکتر زیباکلام، در برهه کودتای ۲۸ مرداد هم هنوز در حال و هوای آغاز نهضت و همکاری مشترک آیت الله کاشانی، دکتر مصدق، فدائیان اسلام، جبهه ملی و مجاهدین اسلام و غیره است و گویا نمی‌دانند که قبل از آغاز کودتا در ۲۸ ماه حکومت آقای مصدق - که او را پیشوا می‌نامیدند - بر همکاران و پایه‌گزاران اصلی و اصیل نهضت چه گذشته بود؟

من به این نکات فقط اشاره می‌کنم و اگر آقای زیباکلام علاقه دارند، می‌توانیم که قلیل باقیمانده آن دوران را دور هم جمع کنیم و قضیه را منصفانه و عادلانه بررسی کنیم. اما اشارات!... بعد از ملی شدن صنعت نفت و برگزاری انتخابات آزاد و به روی کار آمدن جبهه ملی که به قول آیت الله طالقانی در سخنرانی «احمدآباد» با اقدامات و «مبارزه مسلحانه انقلابی» فدائیان اسلام، با برداشت مانع اول و دوم - ژنرال رزم آرا و عبدالحسین هژیر - تحقق یافت، کم‌کم دوستان جبهه ملی به تمام‌خواهی پرداخته و عناصر اصلی تشکیل دهنده نهضت را ظالمانه و ناجوانمردانه کنار گذاشتند و ظاهراً فراموش کردند که اگر فتاوی آیت الله کاشانی نبود نه «بانک ایران و انگلیس» در تهران تعطیل می‌شد و نه ماجرای پرشکوه قیام ۳۰ تیر به وجود می‌آمد و نه مجلسیان قانون ملی شدن صنعت نفت را امضا می‌کردند! و نه... و نه...

... بعد پیشوا، مجلس را که مدعی شده بود با او هم‌آهنگ نیست، منحل اعلام نمود! و سپس رفراوندوم بی‌ثمری که اغلب اعضای جبهه ملی مخالف آن بودند، برگزار کرد و در پاسخ انتقاد آقای دکتر سنجابی فرمود: «مگر امروز جنابعالی چرس مصرف کرده‌اید؟» - رجوع کنید به کتاب خاطرات دکتر سنجابی - و آقای خلیل ملکی هم که از این امر ناراحت بود و پیشنهادهای وی مقبول پیشوا واقع نگردیده بود، گفت: «آقای دهر - با تلفظ ترکی ما - این راهی که جنابعالی می‌روید به ترکستان هم نیست بلکه به جهنمستان است ولی ما تا آنجا هم با شما می‌آییم» - رجوع کنید به خاطرات و مجموعه نامه‌های خلیل ملکی -

♦ رهبران جبهه ملی همراه «پیشوا» فرار را بر قرار ترجیح دادند

سؤال می‌فرمایند: جبهه ملی کجا بود؟ خوب رهبران آنها که همراه پیشوا «فرار» را بر «قرار» ترجیح دادند... پیشوا هم نه خود اعلامیه‌ای داد که مردم را به خیابان‌ها بکشد و نه اجازه داد کسی در رادیو مردم ۳۰ تیر را دعوت به قیام کند و نه حتی به حزب توده رخصت داد که به مقابله برخیزد، و به گفته‌های دکتر کیانوری - دبیر کل حزب توده - به اینجانب - پس از پیروزی انقلاب اسلامی - پیشوا در پاسخ درخواست حزب گفته بودند که صلاح نیست! خون‌ریزی می‌شود و کیانوری البته اضافه کرد که به دستور آقای دکتر مصدق روز قبل از کودتا، سید نصر از کادری حزبی به علت تظاهرات خیابانی روز قبل، بازداشت شده بودند! و بعضی از اعضای حزب توده و از جمله احمد منزوی، بعدها به اینجانب گفتند که: ما در خانه‌های خود، منتظر دستور حزب بودیم که به خیابان‌ها بیاییم ولی دستوری نرسید!...

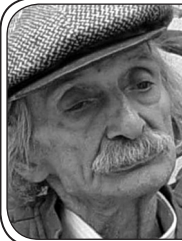
ادامه در صفحه ۵

آیت الله اراکی:

نعمت ولایت به
سبب مجاهدت
صدیقه کبری به
بشر رسید



کتاب‌شناسی
و
فهرست‌نگاری

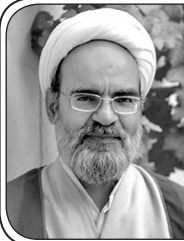


پیام تسلیت رهبر
انقلاب در پی
درگذشت آیت
الله واعظ طبسی



گزارشی از همایش «بیدارگر بصیر»:

تاریخ‌نگاری
استاد ابوالحسنی
(مندرجه)، اتکا به
حرف علما دارد



تروریست خواندن حزب الله؛ علت‌ها و پیامدها



پس از این که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به سرمدمداری عربستان، حزب‌الله لبنان، همه رهبران، ارگان‌ها و نهادهای وابسته به این حزب را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دادند، شورای وزیران امور خارجه کشورهای اتحادیه عرب نیز حزب‌الله را گروه تروریستی خواند. این موضع اتحادیه عرب، با مخالفت لبنان، عراق و الجزایر روبرو شده است. به طوری که ابراهیم جعفری وزیر امور خارجه عراق در نشست اتحادیه عرب در قاهره تأکید کرد حزب‌الله و نیروهای داوطلب مردمی عراق موجب فخر عرب‌ها هستند و هر کسی حزب‌الله را تروریستی بداند، خود تروریست است. افزون بر این، ابراهیم جعفری سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله را قهرمانی توصیف کرد که به دنبال حفظ ارزش‌ها است.

ابعاد گوناگون سیاست عربستان درباره لبنان

به نوشته روزنامه الاخبار لبنان، ابعاد گوناگون سیاست عربستان درباره لبنان که به تازگی در متوقف کردن کمک‌های نظامی به ارتش، ممانعت از سفر شهروندان عربستانی به لبنان و قرار دادن حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی آشکار شده است را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد.

۱: همانطور که مشخص است این سیاست تنها سیاست عربستان دربار لبنان نیست بلکه این ادامه سیاست عربستان علیه ایران و ادامه تنش منطقه‌ای است که عربستان در لبنان علیه ایران دنبال می‌کند. به یقین قرار دادن حزب الله در لیست گروه‌های تروریستی به تنهایی بیانگر انگیزه عربستان نیست بلکه هدف اساسی عربستان هدف قرار دادن منافع ایران در همه عرصه‌ها از جمله عرصه سیاسی لبنان است.

۲: در پیش گرفتن چنین موضعی نشان داد که عربستان طی ۲ سال گذشته برای گرفتن تصمیم‌های سیاسی به اجماع نیاز دارد. تفاوتی ندارد که این اجماع در سطح کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باشد یا اینکه در سطح کشورهای عربی یا اسلامی باشد. به طوری که می‌توان گفت پس از اینکه عربستان به این نتیجه رسید که به تنهایی نمی‌تواند تصمیم بگیرد و آن را اجرایی سازد اکنون اجماع سازی به یک مولفه و عنصر مهم در سیاست خارجی عربستان تبدیل شده است. این در حالی است که سفیر عربستان در انگلیس ۲ سال پیش گفته بود عربستان به تنهایی توان تصمیم‌گیری درباره مسائل منطقه‌ای را دارد.

از آن زمان تاکنون ناتوانی عربستان در تصمیم‌گیری و تلاش برای اجماع سازی را شاهد بودیم. به طوری که در آن زمان عربستان پس از ناامیدی در خرسندی سازی غرب برای جلوگیری از توافق هسته‌ای با ایران به مهندسی اجماع سازی کشورهای عربی برای سنگ اندازی در برابر توافق هسته‌ای ایران روی آورد. همچنین این کشور برای قانونی جلوه دادن حمله به یمن نیز به ائتلاف سازی روی آورد. این مساله را در

۳: قرار دادن حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی متأسفانه در شرایطی صورت گرفت که کسانی که در میز مذاکره برای حل بحران سوریه گرد هم آمده اند بر تعیین فهرست گروه‌های تروریستی توافق ندارند. از این زاویه می‌توان گفت که عربستان دستکم به یک موفقیت نسبی دست یافته و توانسته است موافقت کشورهای عربی به جز لبنان و عراق را درباره قرار دادن حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی به دست آورد. اما مساله اساسی این است که این مساله قطعا در نشست آینده برای حل بحران سوریه تاثیر خواهد داشت. با توجه به این که کشورهایی که در بحران سوریه نقش دارند درباره مشخص کردن گروه‌های تروریستی به توافق نرسیده اند این مساله می‌تواند بحران سوریه را وخیم‌تر کند.

۴: این موضع‌گیری عربستان نه تنها در مسیر حل بحران سوریه سنگ اندازی می‌کند. بلکه این اقدام می‌تواند ثبات لبنان را هم با تهدید روبرو سازد و به افزایش اختلاف‌ها و تنش‌ها در لبنان که از خلاً ریاست جمهوری رنج می‌می‌برد، منجر شود. می‌توان گفت لبنان اگر با عقلایت با این موضوع برخورد نکند، هزینه این اقدام عربستان را خواهد پرداخت. لبنان نمی‌تواند حزب الله را جدا از خود بداند. این حزب در لبنان تاسیس شد و در میان اقشار مختلف مردم از پایگاه مردمی برخوردار است. این حزب بخشی از دولت و مجلس لبنان را تشکیل می‌دهد و در جامعه لبنان نقش کارآمدی را دارد. همچنین این حزب در آزاد سازی خاک لبنان در سال ۲۰۰۰ و به چالش کشیدن ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ سال ۲۰۰۶ نقش تاریخی سرنوشت‌سازی را بازی کرد.

ادامه در صفحه ۶

در رثای استاد

دکتر مصطفی بروجردی - تونس

در آخرین روزهای سال جاری، حوزهٔ علمیهٔ قم یکی از استوانه‌های علمی خود را از دست داد. استاد بزرگوارم عالم وارسته و با فضیلت، آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی پس از عمری طولانی که سراسر به تحصیل و تدریس علوم دینی گذشت، بار سفر بر بست و در آرامشی کم نظیر به دیدار حق شتافت. او که توفیق یافته بود تا از عنفوان جوانی محضر استادان والا مقام عصر خود را درک و در تبریز و قم از خرمن پر فیض آنان خوشه‌چینی کند، خود نیز برای چند دههٔ متوالی فیض بخش طالبان دانش و بینش شد و با افرشته داشتن مشعل آگاهی، توانست راه را به آنان نشان دهد. این عالم فرزانه که از نسل عالمان سنتی حوزوی بود، با اعتقادی راسخ به ضرورت سنتگرایی، اصالت‌ورزی و تدلوم مستمر راه و روش پیشینیان، تمامی تلاش علمی خود را در این راستا به کار برد و با احتراز از هر گونه تغییر در سبک تالیف و تدریس حوزوی، پابندی خود را به سنت استادان خود و فقیهان پیشین، در عمل به اثبات رساند.

حوزه تدریس او از پرجمعیت ترین محافل درسی قم بود. دقت و نظم شگفت او در رفتار شخصی، تدریس منظم و منسجم، ارائه مطالب سخت کتابهای درسی حوزوی با بیانی شیوا و رسا، رعایت حقوق طلاب و حاضران در جلسه درس، نمونه و مثال زدنی بود. در تدریس دانش اصول فقه، کم نظیر و در اداره جلسه درسی که معمولا صدها طلبه حضور داشتند، بسیار توانا می‌نمود. شمرده و دقیق سخن می‌گفت و برای تفهیم مطلب به حاضران در جلسه درس، از جان مایه می‌گذاشت. با این که کتابهایی را که تدریس می‌کرد، بارها درس داده و برآن‌ها شرح نگاشته بود، اما همه روزه یک ساعت قبل از تدریس به آماده ساختن مطالب و دسته بندی آنها می‌پرداخت و هیچگاه دیده نشد در جلسه درس بدون آمادگی کامل حضور یابد. بی ادعا، متواضع، قانع، بی توقع، زاهد، متقی و فوق العاده متین و محترم بود. هر دورهٔ تدریس او حدود سه سال به طول می‌انجامید. رفتارش برای طلابی که در این دوره‌ها در محضر وی حضور می‌یافتند، درس آموز بود. درس را بسیار جدی تلقی می‌کرد و هرگز در حین تدریس از محدوده متن خارج نمی‌شد. هیچگاه جلسه تدریس را به موضوعات غیر درسی نمی‌آمیخت و در این زمینه سختگیر بود. طلاب پرسشگر و نکته‌سنج را که با دقت و مطالعه سخن می‌گفتند، دوست می‌داشت. بیش از هر چیز، به دانش و علم بها می‌داد.

برای وقت طلاب ارزش بسیاری قائل بود. هرگز فراموش نمی‌کنم که در سالهای نخست دههٔ شصت که توفیق حضور در محضر او را داشتم، حتی برای فوت مادرش درس را تعطیل نکرد. بلکه پس از اتمام درس اعلام کرد: "جازه مادرم اکنون در صحن مطهر حضرت معصومه(س) است. اگر آقایان طلاب برنامه‌ای درسی یا مباحثه ندارند و مایل باشند، شرکت فرمایند!" این رفتار شگفت، نشانگر اهتمام ویژه او به دانش بود.

کتابهایی که برای توضیح مشکلات متون درسی حوزه نگاشت از بهترین شروح بوده و مرجع طلاب و استادان است. هرچند به لهجه شیرین آذری، به فارسی تدریس می‌کرد، اما کتابهایش را به عربی می‌نگاشت تا سنت پیشینیان را کاملاً مراعات کرده باشد. مجموع این ویژگی‌ها موجب شده بود تا با وجود اینکه بر اساس سنت حوزه‌ها، یک کتاب درسی توسط استادان مختلف تدریس می‌شوند، اما هیچگاه از اقبال طلاب به وی کاسته نشود.

بسیار آبیِ النفس و عقیف بود. از هیچ کس چیزی نمی‌خواست. شمار زیادی از مسئولان روحانی فعلی در شمار دانش آموخته‌های او بوده‌اند، اما هرگز شنیده نشد از کسی چیزی مطالبه کرده باشد.

با آرزوی غفران و رحمت الهی، این ضایعه مولهه را به حوزه‌های علمیه، بویژه اساتید ارجمند و شاگردان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم و برای بازماندگان آن فقید سعید صبر و اجر آرزومندم.

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت آیت الله واعظ طبسی

غربت و شدت پیش از انقلاب و همکار سخت کوش سالهای پس از انقلاب را از دست داده و از خداوند رحیم پاداش شایسته و غفران و رضوان الهی را برای ایشان مسألت میکنم.

به خاندان مکرم و بازماندگان ایشان بویژه همسر صبور و نیک اندیش و فرزندان محترم صمیمانه تسلیت عرض میکنم و صبر و اجر برای آنان مسألت مینمایم.

سید علی خامنه ای

۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۴»

آیت‌الله عباس واعظ طبسی که از هفتم اسفند ماه به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان امام رضا علیه السلام مشهد بستری شده بود بامداد - جمعه ۱۴ اسفند - به دیار حق شتافت.

رئیس جمهور درگذشت آیت الله مصطفی اعتمادی تبریزی را تسلیت گفت

حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی رییس جمهور، رحلت عالم وارسته حضرت آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم را تسلیت گفت.

متن پیام رئیس جمهور به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

رحلت عالم وارسته حضرت آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم، موجب تأثر و تألم خاطر شد.

آن فقیه فرزانه و استاد صاحب سبک، سالیان متمادی از عمر گرانقدر خویش را وقف ترویج معارف اسلامی و پرورش شاگردان و طلاب مکتب امام جعفر صادق (ع) نمود و آثاری ماندگار برای حوزه های علمیه به یادگار گذاشت.

این جانب این ضایعه را محضر مراجع عظام تقلید، حوزه های علمیه، شاگردان و ارادتمندان و بیت مکرم ایشان بویژه فرزند گرامیشان حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا اعتمادی تسلیت می گویم و علو درجات آن عالم ربانی را از خداوند متعال مسألت می دارم.

حسن روحانی



۱۵۰ استعداد برتر و ۳۷ پرونده در مورد نخبگان بررسی شد که درباره نخبگان به نتیجه قطعی نرسید و استعدادهای

برتر در جلسه هیئت امنا در بهار ۹۵ تایید نهایی و اعلام خواهد شد و افراد وارد فرآیند کار مربوطه می شوند.

معاون پژوهش حوزه های علمیه درباره حمایت های مرکز نخبگان، شکوفایی و رشد افراد برتر و ممتاز و نیز راهبری و پایش مسیر برای پویایی لازم درسی با معرفی استاد راهنما را از فعالیت های این مرکز عنوان کرد.

حجت الاسلام و المسلمین عماد ادامه داد: انتظار می رود که استعدادهای برتر در عین توجه به استقلال فکری و حریت آنها، در صورت لازم در برنامه ها و فعالیت های ویژه پیشنهادی از سوی مرکز نخبگان و استعدادهای برتر در عین اختیار، حضور فعال داشته باشند تا مسیر رشد آنها به صورتی مستمر پیش برود که اگر این امر اتفاق بیافتد و زمینه بهره گیری از آنان در عرصه ملی نیز فراهم خواهد شد.

وی درباره نخبگان که شخصیت های بالفعل موثر در عرصه های مختلف پنج گانه مذکور هستند، افزود: حمایت از این افراد به صورت زمینه سازی امکان انجام برنامه های آنان است و انتظار داریم که نخبگان نقش الگویی خود را ایفا و طلاب جوان و استعدادهای برتر را راهنمایی و در عرصه های مختلف نیز به نیاز کشور پاسخ دهند و آن را تا حد امکان برطرف کنند.

حضور شجاعانه و اثرگذار این روحانی محترم در عرصه های پرخطر و قبول دشواریهای آن بود و این حضور صریح و صادفانه تا آخرین روزهای مبارزات ملت ایران ادامه یافت. پس از انقلاب، اعتماد امام بزرگوار به ایشان منشأ کسب افتخار تولیت و خدمت به آستان مبارک رضوی علیه آلف التحیه و السلام شد و خدمات بی سابقه به این آستان مقدس با همت و عزم راسخ ایشان شکل گرفت و امید است که توجهات آن حضرت شامل حال این خدمتگزار با اخلاص گردد. موضع انقلابی و وفاداری به آرمانهای نظام اسلامی و مجاهدت در این مسیر دشوار که غالباً بدون تظاهر انجام گرفته است، خود فصل دیگری از زندگی این روحانی عالیقدر است. اکنون با فقدان ایشان اینجانب برادر مهربان و همسنگر دوران

آیت الله مصطفی اعتمادی از اساتید برجسته حوزه علمیه درگذشت

و سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت. سپس در درس خارج اصول آیت سید حسین العظمی بروجردی و خارج فقه آیت الله سید محمد حجت کوه کمره ای و برخی دیگر از بزرگان حوزه شرکت کرد. آیت الله اعتمادی هم زمان با تحصیل، به تدریس نیز پرداخت.

ایشان در تبریز، ادبیات عرب، تدریس می کرد. در قم نیز به تدریس کتاب های حاشیه، مطول، قوانین، رسایل و کفایة الاصول پرداخت و از اساتید بزرگ در دروس سطوح عالی به شمار می رفت. ایشان افزون بر پژوهش و تدریس به تبلیغ و ارشاد نیز همت گماشته و به همین دلیل، سفرهای بسیاری به مناطق گوناگون کشور انجام داده بود.

کتاب و آثار:

- شرح معالم الدین، اصول فقه، عربی، ۱۳۳۸ - ۱۳۳۰ هـ. ش؛
- شرح الرسایل، اصول فقه، عربی، ۳ جلد
- موضح القوانين، اصول فقه، عربی، ۱۳۸۱ هـ . ق
- شرح مکاسب، فقه، عربی؛ (این کتاب، شرح و توضیح «مکاسب» شیخ انصاری است که به صورت دست نویس بوده و هنوز به چاپ نرسیده است).
- الهدایة الی اسرار الکفایة، اصول فقه، عربی حاشیه، پاورقی، تعلیقه، مقدمه؛
- شنتات الفوائد، اصول فقه، عربی، (این کتاب، تعلیقه بر کتاب «معالم الدین» است و در حاشیه کتاب «معالم الاصول» چاپ شده است).

حجت الاسلام والمسلمین عماد تشریح کرد:

روند شناسایی نخبگان و استعدادهای برتر حوزوی

حجت الاسلام و المسلمین عماد، ادامه داد: نتیجه این مصاحبه به کارگروه مربوطه ارسال و پس از تایید یا عدم تایید، کمیسیون بررسی و گزارش کار به هیئت امنا ارائه می شود و سپس آنهایی که تایید شده اند، مورد حمایت مادی، معنوی، علمی، تربیتی و رشد قرار می گیرند که البته حمایت های مادی نیز قابل توجه نیست. معاون پژوهش حوزه های علمیه با اشاره به این که حوزه علمیه خراسان همانند حوزه اصفهان در همه نهاده‌ها و بخش های مرکز نخبگان حوزه حضور دارد، گفت: در هر یک از ۱۰ کارگروه تخصصی نمایندگان این حوزه ها نیز مشارکت دارند.

وی در ادامه با بیان این که در ۵ سال گذشته از نظر ساماندهی نخبگان و استعدادهای برتر حوزه کارهای خوبی انجام شده، اظهار داشت: کارهای کارشناسی با تاسیس مرکز امور نخبگان انجام شد و با تایید اساسنامه توسط هیئت مدیره موقت، مجموعه قوانین، مقررات و ضوابط در دو عرصه شناسایی و حمایت و پشتیبانی و سپس در زمینه خدمت رسانی طراحی گردید.

رئیس مرکز رئیس مرکز نخبگان و استعدادهای برتر حوزه های علمیه ادامه داد: تاکنون دو دوره شناسایی نخبگان انجام شده که در اولین مرحله آن سال گذشته حدود ۴۲ نفر استعداد برتر و ممتاز شناسایی و سپس مجموعه نتایج کارگروه ها بر اساس شیوه نامه برای تایید و تصویب به هیئت امنا ارائه شد.

وی افزود: در دوره دوم که در مشهد برگزار شد، حدود

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، در پی درگذشت عالم مجاهد و یار صادق انقلاب آیت الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی رحمه‌الله علیه، رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام تسلیتی صادر کردند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف و اندوه خبر درگذشت عالم مجاهد و یار صادق انقلاب جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عباس واعظ طبسی رحمه‌الله علیه را دریافت کردم. ایشان برادری همدل و هم‌زبان برای اینجانب و مریدی صدیق برای امام راحل و خدمتگزاری پایدار و سخت کوش برای انقلاب بودند. از نخستین طلبیه های مبارزات نهضت اسلامی، مشهد مقدس شاهد

آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» از استادان حوزه علمیه قم به رحمت ایزدی پیوست. وی که از استادان پُرسابقه حوزوی محسوب می‌شد، پس از عمری تلاش در راه تربیت شاگردان مکتب امام صادق(علیه‌السلام) به دیار حق شتافت.

نام آیت‌الله اعتمادی برای همه طلاب علوم دینی، آشناست. حتی آنان که از محضر درس او استفاده نکرده‌اند، از نوارهای تدریس وی بهره برده‌اند. شاید این نوارها در کنار نوارهای دو استاد سترگ دیگر «مدرس افغانی» و «آیت‌الله پایانی» از مهمترین دروس صوتی چند دهه اخیر حوزه باشد.

آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی در سال ۱۳۰۴ هـ. ش برابر با ۱۳۴۴ ق، در خانواده‌ای اهل علم و تقوا در روستای «خواجه سلطان محمد» تبریز به دنیا آمد. پدرش، حاج میرزا علی خواجه ای از روحانیان بزرگ منطقه بود. وی دانش اندوزی را با آموختن قرآن در شش سالگی آغاز کرد. سپس کتاب های فارسی، گلستان سعدی، ادبیات عرب، حاشیه و شرایع را نزد پدر فرا گرفت. پانزده ساله بود که برای ادامه تحصیلات به تبریز رفت و در مدت کوتاهی، معالم و مطول و هر دو جلد شرح لمعه را به پایان رساند. آیت الله اعتمادی در سال ۱۳۲۵ هـ. ش رهسپار قم شد و رسایل، مکاسب و کفایة الاصول را به ترتیب نزد حضرات آیات حاج میرزا محمود دوزدوزانی، میرزا فتح شهیدی

اندازه که به شیخ فضل‌الله پرداختند برای شناساندن اقدامات آخوند خراسانی نیز کتابی تالیف می‌کردند.

این تاریخ پژوه گفت: البته این به دلیل نداشتن اطلاعات در این باره نبوده چرا که ایشان تسلط کاملی به تاریخ مشروطه داشته است. اما تقوا و احتیاط ابوالحسنی مانع از این می‌شد که اختلافات گذشته میان این دو را باز کند بنابراین کوشیده تا اشاره‌ای گذرا به این موضوع داشته باشد.

وی افزود: اما واقعیت این است که اعلامیه‌های آخوند خراسانی نقش زیادی در تهییج مشروطه خواهان داشت. ایشان جنگیدن در رکاب ستارخان را مانند جنگیدن در رکاب امام زمان(ع) دانسته بود. بنابراین این اعلامیه‌ها موجب تحریک مردم ولایات شده بود و سبب شده اتفاقات تبریز به سایر شهرها نیز کشیده شود و پس از فتح تهران انقلابیون شیخ فضل‌الله را دار زدند.

رجبی در بخش پایانی سخنانش انتشار کتاب را به همراه پیوست پایانی آن درست ندانست و گفت: این کتاب بهتر بود بدون پیوست منتشر می‌شد و به همین صورت شکل‌تر و موجه‌تر بود.

محمدصادق ابوالحسنی نیز کتاب «تنهای شکیبا» را آخرین آواز قوی پدرش عنوان کرد و گفت: شیخ فضل‌الله هنگامی که بر دار آویخته می‌شد، زیباترین آواز خود را سرود و مرحوم ابوالحسنی نیز با نگارش کتاب «تنهای شکیبا» آخرین آواز خود را گفت.

در پایان این مراسم از کتاب «تنهای شکیبا» رونمایی به عمل آمد.

گزارشی از همایش «بیدارگر بصیر»؛

تاریخ نگاری استاد ابوالحسنی (منذر)، اتکا به حرف علما دارد

ابوالحسنی در آثارش به اقوال علما تکیه کرده است، گفت: ابوالحسنی طی آثاری که در حوزه مشروطه پژوهی داشته به اقوال علما به ویژه اقوال علمای مغلوب در آن دوره توجه کرده است. تاریخ نگاری دوره مشروطه نیز بیشتر به اقوال مسلط در آن دوره توجه کرده تا اقوال مغلوب، بنابراین تلاش ابوالحسنی این بوده که به اقوال مغلوب در این دوره و نیز ناگفته‌های درباره شیخ فضل‌الله اشاره کند.

وی ادامه داد: ابوالحسنی معتقد بود علما چون در گفته‌هایشان استحکام دارند باید بیشتر به اقوال آنها در تاریخ نگاری توجه کرد. بنابراین تاریخ نگاری ابوالحسنی اتکا به حرف علما دارد.

کایینی گفت: یکی از دلایلی که ابوالحسنی به اعلامیه‌های آخوند خراسانی در دوران فطرت نپرداخته این بوده که معتقد است این نظرات، نظرات آخوند خراسانی نیست و در خراب کردن رابطه بین شیخ فضل‌الله و آخوند خراسانی دست افرادی مانند اسدالله فراهانی را می‌توان دید.

وی با بیان اینکه ابوالحسنی معتقد است که تنوع نگاه اجتماعی شیخ فضل‌الله و آخوند خراسانی به یکدیگر نزدیک بوده یادآور شد: بر خلاف اختلافاتی که بعدها در بین این دو به وجود آمد این دو نفر به لحاظ دیدگاه اجتماعی با یکدیگر اختلاف زیادی نداشتند.

محمدحسین رجبی دوانی نیز در بخش دیگری از این نشست با اشاره به اینکه ابوالحسنی گنجینه ارزشمند و عظیمی است که باید از آثار او استفاده کرد گفت: کارهای ابوالحسنی هریک تازگی خاص خود را دارد و از زاویه قدیم و جدید به مسایل تاریخی پرداخته است.

به مناسبت چهارمین سالگرد درگذشت استاد علی ابوالحسنی (منذر) آیین رونمایی از کتاب «تنهای شکیبا»، سه شنبه ۱۸ اسفند با سخنرانی موسی حقانی، مدیر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، رضا مختاری نویسنده کتاب و پژوهشگر تاریخ معاصر، محمد حسین رجبی دوانی استاد و پژوهشگر تاریخ معاصر، شیخ محسن خزعلی و محمد صادق ابوالحسنی فرزند استاد علی ابوالحسنی در مجموعه شهدای سرچشمه برگزار شد.

حقانی در ابتدا با بیان اینکه امروز فقدان ایشان بیش از پیش در تاریخ نگاری خودش را نشان می‌دهد گفت: آثاری که از او منتشر شده به مسائل مهمی چون مشروطیت می‌پردازد. کتاب «تنهای شکیبا» را نیز می‌توان یکی از آرزوهای ابوالحسنی دانست که محقق شد.

وی با اشاره به نبود اطلاعات درباره اختلافات میان شیخ فضل‌الله و آخوند خراسانی در آثار ابوالحسنی افزود: ابوالحسنی به این موضوع نگاه می‌کرد که چقدر برای بیان چنین حرف‌هایی در جامعه ظرفیت پذیرش وجود داشت. از سوی دیگر باید گفت که اختلاف شیخ فضل‌الله با آخوند خراسانی بر سر تعیین مصادیق بود و این دو با هم اختلاف مبنایی نداشتند.

رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با بیان اینکه برخی از نقدهایی که درباره آثار ایشان نوشته شده صحیح نیست، یادآور شد: گفته می‌شود که ابوالحسنی قدر شیخ فضل‌الله نوری را بالا برده تا قدر دیگران را پایین بیاورد، در حالی که برخورد ابوالحسنی با این موضوع احساسی نبود. او معتقد بود شیخ فضل‌الله نوری به لحاظ علمی و فقهی قویتر از دیگران بوده است.

محمدرضا کایینی در ادامه با اشاره اینکه مرحوم

ایرج افشار نقشی تکرار نشدنی در گسترش ایران شناسی در جهان داشت

بود، در حقیقت ایرج افشار جمع بین عمل و نظر بود، نظریه داشت و به لحاظ مدیریت قوی بود ما به چنین ظرفیتی بسیار نیازمندیم و اکنون با توجه به تحولات مختلف باید این ظرفیت‌ها را شناسایی و آنها را روزآمد کنیم. باید توجه کنیم که ما ساختاری می‌خواهیم که این ظرفیت‌ها، فهرست‌سازی شود و سامان پیدا کند، که البته می‌توان از بسیاری از دیگر فهرست‌ها کمک گرفت. البته شاید هم نیاز باشد که نشست‌های تخصصی برگزار کنیم تا بتوانیم فهرست واحد نسخ خطی فارسی را منتشر کنیم.

وی با اشاره به نسخ خطی فراوانی که به زبان فارسی در مراکز علمی مختلف در جهان اسلام وجود دارد، خواستار تلاش مسئولان سازمان اسناد و کتابخانه ملی برای تکمیل بانک اطلاعاتی نسخ خطی فارس در جهان اسلام شد.

حجت الاسلام درایتی نیز با ابراز خوشنودی از همزمانی رونمایی این کتاب با مراسم بزرگداشت استاد افشار گفت: این کتاب به لحاظ موضوعی با تلاش مرحوم افشار خیلی هماهنگ بود. اگرچه خود افشار هم برای معرفی آثارش تلاش بیشتری صورت بگیرد و در حقیقت استاد افشار تصور نمی‌کرد که این کتاب به این زودی‌ها آماده شود. اگرچه این کتاب اسم من را در تارک خود دارد اما حاصل تلاش بیش از یکصد فهرست نگار در بیش از یک صد سال فهرست‌نگاری ایران است. کار من مهندسی جدید این اثر بود تا تلاشی برای تحقیقات دیگر کاربرد پیدا کند.

وی افزود: این اثر شناسنامه علمی مردم ایران است. کار من در این مرحله پایان یافته اما کار معرفی این مجموعه متولیان فرهنگی کشور است. من به عنوان یک فهرست نگار به این مجموعه نپرداختم بلکه متخصص مجموعه اطلاع رسانی نگاه کردم که از مجموعه علوم و سلاقی گوناگون یک بنایی ساخته شود که در خور نام ایران و فرهنگ ایران زمین باشد. من توقع دارم که مراکز دانشگاهی ما از این مجموعه بهره مند شوند و بتوانند بسیاری از رشته‌های علوم انسانی ما باشد. در پایان آیین بزرگداشت ایرج افشار، چهارمین رئیس کتابخانه ملی ایران، مستند فرزانه فروتن ایران مدار برای حضار به نمایش درآمد.

موسسه پرداخت و نکاتی درباره ۱۵ کتابی که در این مدت در این موسسه از افشار به چاپ رسیده است، پرداخت. سید فرید قاسمی از کتاب پژوهان پیشکسوت و دوست قدیمی ایرج افشار از دیگر سخنرانان این مراسم بود که با اشاره به گذشت ۵ سال از فقدان ایرج افشار یاد او را گرامی داشت.

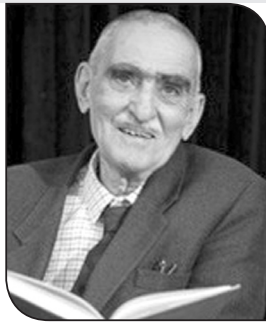
وی سپس به برخی آرزوهای ایرج افشار در حوزه کتاب پژوهشی و کتابداری

در ایران پرداخت و گفت: استاد افشار آرزومند بومی سازی کتابداری در ایران بود و به فرهنگ بومی و شیوه سازی کتابداری در کشور به شکلی بومی بسیار اهمیت می‌داد و معتقد بود که تکنیک‌های فرنگی باید ایرانی‌زده شود.

قاسمی با بیان اینکه ایرج افشار یک کتابدار خودساخته بود نه خودباخته در ادامه از غنای اندکی که کتابخانه‌های بزرگ ایران از جهت داشتن نسخه‌هایی از برخی نشریات منتشر شده در تاریخ معاصر ایران، اظهار تاسف کرد و یادآور شد: در ۱۵۰ سال اول فارسی نویسی مطبوعات در جهان، ۲۱۰ نشریه فارسی برون مرزی وجود داشته است که در ۱۸ کشور جهان منتشر می‌شده اند این در حالی است که غنی‌ترین مجموعه کتابخانه‌ای ما در کشور تنها ۳۹ نشریه را از حیث عناوین در اختیار دارد آن هم نه دوره کامل آنها را. به گفته مدیر مرکز کتاب‌پژوهی ایران، از این ۲۱۰ عنوان نشریه فارسی برون مرزی، نه تنها اصل بلکه حتی تصویری از ۱۳۴ عنوان آنها در اختیار نیست.

در این برنامه همچنین احمد مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران در سخنانی، یکی از ویژگی‌های تحقیقات علمی ایرج افشار را طراحی کاربرگ‌های نسخ خطی عنوان کرد و افزود: یکی از ویژگی‌های کاری مرحوم ایرج افشار طراحی کاربرگ‌های نسخ خطی بود، البته قبلاً نیز چنین نسخی داشتیم اما نظام واحدی نداشت و ایرج افشار با تشکیل گروه‌هایی که داشت این کار را انجام داد.

وی تصریح کرد: یکی از کارهای دیگر او نهادسازی



وقف کرد. وی از جمله افرادی بود که قلیشان برای ایران و تمدن ایرانی می‌تپید و با تمام وجود سعی می‌کرد به کسانی که در این راه گام برمی‌دارند کمک کند.

دکتر محقق داماد با اشاره به تلاش این خانواده در راستای فرهنگ و ادبیات ایران گفت: محمود افشار، پدر استاد ایرج افشار، نیز حقوقدان بود و همه چیز خود را وقف رشد ادبیات

ایران کرد. ایرج نیز همچون پدرش متواضع و در خدمت فرهنگ و تمدن ایران بود و ملت ایران هیچ وقت آنها را فراموش نمی‌کند.

مدیرکل یونسکو نیز پیامی برای مراسم بزرگداشت ایرج افشار ارسال کرد که در بخشی از این پیام آمده است: پروفیسور ایرج افشار نقشی تکرار نشدنی در گسترش مدار ایران شناسی در ایران و جهان در نیمه دوم قرن بیستم داشته است.

ایرینا بوکوا در پیام خود خاطرنشان کرد: استاد افشار در جهت پاسداری و نشر منابع میراث و تنوع فرهنگی به عنوان وسیله‌ای برای گفت‌وگو عمیق تر، احترام و درک متقابل، فعالیت داشته است. استاد افشار کتابشناس، تاریخ دان و محقق بی نظیر دست نوشته‌های ایران باستان و مدرن بود و نقشی محوری در انجمن‌های بین‌المللی در تسهیل مبادلات بین فرهنگی و نشر دانش داشته است. وی در پایان پیام خود تأکید کرده است: اطمینان دارم که یاد و افتخارات استاد ایرج افشار منبع الهامی برای دانش پژوهان جوان و محققان سراسر دنیا در جهت ایجاد پل‌های جدید و مستحکم گفت‌وگو، برای احترام، درک و صلح خواهد بود. در این راستا مفتخرم به همراه یونسکو، زندگی و دستاوردهای کم نظیر استاد ایرج افشار را گرامی بدارم.

در ادامه این مراسم اکبر ایرانی، رئیس موسسه پژوهشی میراث مکتوب، با بیان اینکه ایرج افشار حق بزرگی بر گردن کتاب پژوهشی در ایران دارد به بیان خاطراتی از دوران ۱۵ ساله همکاری خود با او در این

آیین بزرگداشت زنده‌یاد ایرج افشار، چهارمین رئیس کتابخانه ملی همزمان با پنجمین سالروز درگذشت مرحوم افشار با عنوان «برمدار ایران» با حضور اندیشمندان و فرهیختگان و رونمایی از دو اثر ارزشمند «فرزانه ایران‌مدار» و «دوره کامل ۴۵ جلدی فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» برگزار شد.

در آغاز این مراسم دکتر سید رضا صالحی‌امیری، رئیس کتابخانه ملی، ضمن ادای احترام به جایگاه علمی و معنوی مرحوم ایرج افشار گفت: توفیق این را داریم که امروز از شخصیت برجسته‌ای مانند ایرج افشار تجلیل کنیم. این چنین تجلیل‌ها به ما می‌آموزد که باید شخصیت‌های بزرگ را ارج نهاد. این بزرگداشت در ادامه سلسله برنامه‌هایی است که برای استنادی برگزار می‌شود که ریشه در کتابخانه ملی دارند.

وی با اشاره به تجلیل از مرحومه پوری سلطانی، عبدالله انوار و کامران فانی و دیگر چهره‌های فرهنگی در کتابخانه ملی اظهار کرد: ایران و ایرانی به «ایرج افشار» و خدمات وی مدیون است. هر جا سخن از ایران شناسی به میان می‌آید بی‌درنگ به یاد ایرج افشار می‌افتیم.

رئیس کتابخانه ملی با بیان این‌که تمدن ایران و اسطوره‌های آن در دنیا گسترش پیدا کرده است، افزود: این گسترش را موهون و مدیون خدمات قابل توجه مرحوم ایرج افشار هستیم.

لازم به ذکر است این مراسم از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی و با همکاری موسسه خانه کتاب، گنجینه پژوهشی ایرج افشار و بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی برگزار شد.

در ادامه این مراسم آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد، عضو هیات امنای بنیاد موقوفات افشار، به ذکر خاطراتی درباره استاد افشار پرداخت گفت: من ۲۳ سال با مرحوم ایرج افشار مانوس بودم و شهادت می‌دهم که او حتی یک ذره هم غرور و تکبر نداشت و هر آنچه را که از بن‌دندان فریاد می‌زد، تنها به خاطر حفظ سرمایه‌های ایران بود.

ایرج افشار یکی از نوادری بود که برای دانش و سرمایه علمی کشور بدون هیچ چشمداشتی خود را

پس به‌طور کلی تولد او [سید جمال] رابطه‌ای با افغانستان ندارد. یعنی او در «کنر» به دنیا نیامده و با پدر خود به «کابل» منتقل نشده و دوست محمدخان شاهزاده افغان آنان را تبعید نکرده و آموزه‌های سید بر هیچ بخشی از افغانستان حاکمیت نداشته‌اند، و خود افغانها چیزی از او نمی‌دانند چه رسد به اینکه به خاطر نسبت با سیدعلی محدث ترمذی، در قلوب آنان مقام و منزلتی یافته باشد!

تمامی اینها اموری است که سیدجمال‌الدین به شاگرد خود شیخ محمد عبده (شارح نهج‌البلاغه) گفته بود تا در پنهان کاری و اغفال دشمنان هرچه بیشتر اقدام نماید و گر نه موضوع روشن‌تر از آن است که بشود پنهان کرد و شیعه امامیه را در قبال مصر و رجال آن همین افتخار پس است که آموزگار شخصیتی چون رهبر نهضت معاصر آن شیخ محمد عبده، شاگرد سیدجمال‌الدین باشد.

محمد عبده بارها تصریح کرده هر چه دارد، از سید جمال است و در مقدمه‌ای که بر ترجمه عربی کتاب «نیچریه یا ناتورالیسم» نوشته، اعتراف می‌کند که از توصیف مقام علمی سید ناتوان است و می‌نویسد: «مقام علمی و وسعت فرهنگ او در حدی نیست که قلم من بتواند درباره او چیزی بنویسد. این مرد قدرت فوق‌العاده‌ای در بیان حقایق و مفاهیم علوم، به بهترین شکل را دارد.» و همین شهادت می‌تواند بلندی مقام و عظمت موقعیت سیدجمال‌الدین را در علوم، نشان دهد.

تولد، پرورش و روند آموزش

سیدجمال‌الدین در شعبان ۱۲۵۴ در روستای اسداباد از توابع همدان به دنیا آمد. خانه یا محل تولد او هنوز موجود است و عموزادگان و دیگر وابستگان معاصر او، آنها که اکنون در اسداباد به سر می‌برند، آن را می‌شناسند. مادر جمال‌الدین «سکینه بیگم» دختر میرشرف‌الدین حسینی قاضی است. وی به لطف پدرش از پرورش نیکویی برخوردار شد، پدرش به فرهیختن او پرداخت و خود مبانی و مقدمات را بدو آموخت. از همان هنگام نشانه‌های نبوغ در او هویدا بود، از هوش سرشار و تیزبینی، ژرف‌نگری، کنجکاوی برخوردار بود، آنچه از همان نخست نشان‌دهنده دستاوردهای واپسینش بودند. وی حافظه شگفت‌انگیزی داشت که از عوامل اصلی پیشرفتش بود. آنچه در این باره از او نقل می‌شود، شگفت‌آور است.

در سال ۱۲۶۴ با پدرش به قزوین رفت. او در آن هنگام پسر نو جوان بود. آنها دو سال در قزوین ماندند، و در آنجا باز پدرش او را آموزش می‌داد و از دانش و فرهنگ غنی می‌ساخت و با اشتیاقی فراوان در کار آموزش او می‌کوشید تا آنجا که حتی روزهای عید و تعطیل را نیز از دست نمی‌داد.

سید در اوایل سال ۱۲۶۶ق با پدرش به تهران رفت و به خانه حاکم اسداباد در محله سنگلج وارد شدند. آنگاه جمال‌الدین به خدمت علامه سیدصادق سنگلجی مشرف شد و از محضر او استفاده کرد و همو بود که لباس روحانیت را بر سیدجمال‌الدین پوشاند و عمامه بر سرش نهاد.

پس از چند ماه به عراق مهاجرت کردند. در هنگام ورود به نجف، از مرجع آن روز شیعیان - شیخ مرتضی انصاری - دیدار کردند. پدر سید پس از دو ماه به اسداباد بازگشت و سید خود چهار سال در نجف ماند و در آن مدت فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و هیئت را نزد استادان زبردست این علوم تلمذ کرد. وی با هوش سرشار و حافظه نیرومندش توانست در همین مدت کم، به پایه بزرگان این رشته‌ها برسد و نام‌آور شود و آنگاه که هنوز جوانی بیش نبود، در محافل علمی نجف درخشید.

در سال ۱۲۷۰ق به هند مسافرت کرد و سپس کشورهای جهان اسلام و بعضی از کشورهای اروپای غربی را مورد بازدید قرار داد. در خلال این سفرها با بسیاری از اخلاق و فرهنگ و خوی ملت‌ها آشنا شد و با شمار فراوانی از پادشاهان و وزیران و بزرگان و امیران و مردان دانش و سیاست و... آشنا شد. در هر سرزمینی فرود آمد انقلابی فکری، آن چنان که آتش آن هرگز فرو نشتید، پدید آورد. زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، ترکی

کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری

استاد سیدهادی خسروشاهی



از راست ایستاده: نادره جلالی، دکتر توفیق سبحانی، سید محمود دعایی، دکتر ابراهیم ذاکر و دکتر قاسم صافی، از راست نشسته: استاد احمد منزوی و استاد عبدالحسن بصیره

و صدور فتوای تاریخی امام خمینی(ره) درباره اعدام او مطرح شد. وزارت ارشاد و سازمانهای فرهنگی دیگر، افراد و هیأت‌هایی را برای پیگیری و با بهتر مطرح شدن مسئله کشورهای اسلامی، انتخاب و اعزام نمود که این جانب نیز به علت آشنایی و ارتباط قبلی با رهبری حرکت‌های اسلامی آنان به‌ویژه جماعت اسلامی به عنوان «سرپرست هیأت اعزامی به پاکستان» انتخاب شدم و همراه شخصیت‌های محترمی چون آیت‌الله جلالی خمینی، مولوی اسحاق مدنی و یکی دو نفر دیگر، عازم پاکستان شدیم و با علما و شخصیت‌های فرهنگی یا سیاسی آن دیار در اسلام آباد، لاهور و کراچی دیدار و گفتگو کردیم و علاوه بر آن با تشکیل جلسات عمومی و مصاحبه‌های مطبوعاتی، اهمیت موضوع را یادآور شدیم و البته برادر عزیزمان شهید صادق گنجی وابسته فرهنگی ایران اسلامی در لاهور در پر بار شدن آثار این دیدارها نقش عمده‌ای به عهده داشت و به غیر از خانم بی‌نظیر بوتو که در آن زمان نخست‌وزیر پاکستان بود و وقت ملاقات هیأت ایرانی را، با علم به اینکه بیش از یک هفته در پاکستان نخواهند ماند، به علت کثرت کار و ضیق وقت(!) به دو هفته بعد موکول کرد که روشن بود آمادگی پذیرایی از هیأت و مطرح شدن مسأله سلمان رشدی را - که با تردید می‌بایست واکنشی در این باره ابراز کند، ندارد و ما هم از خیر دیدارش، گذشتیم و به همان دیدار علما و مردمی و تشکیل جلسات عمومی بسنده کردیم که به یاری حق در روشنگری علمای سنی و شیعه پاکستان و توده مردم، نقش خاصی را در آن برعه ايفا کرد.

روزی صادق گنجی که بعدها به دست گروه تکفیری جهانکیو در شب تودیع برای بازگشت به ایران در لاهور به شهادت رسید، پیشنهاد کرد که برای آشنایی با کتب خطی کتابخانه «گنج‌بخش» و آقای احمد منزوی که مشغول فهرست‌نگاری آن است، به آنجا برویم، با اشتیاق همراه دوستان به آن محل رفتیم تا هم از چگونگی امر هزاران جلد کتاب خطی موجود در آنجا آگاه شویم و هم با استاد منزوی پس از ملاقات کوتاه در نجف، تجدید دیداری کنیم.

استاد منزوی در محل کارش با یک پیراهن سفید که نوعاً مردمان هند و پاکستان می‌پوشند، با یک زیرشلواری کوتاه در پشت میز کوچکش مشغول فهرست‌نگاری بود و از دیدار دوستان (به قول او) فرهنگ‌دوست، خوشحال شد و شرح مبسوطی درباره کتابخانه‌های پاکستان و نسخ‌بی‌شمار و فراوان خطی موجود در آن سامان بیان کرد. البته محصول زحمات و کارهای او در پاکستان که ۱۵ سال تمام طول کشید، آثار ارزشمندی است که به یادگار مانده است.

بی‌مناسبت نیست که نخست خلاصه‌ای از آنچه درباره «کتابخانه گنج‌بخش» و کتب خطی موجود در آن تعریف کرد و بعد آن مطالب را در مقدمه جلد اول فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه آورده است، به طور خلاصه نقل شود.

کتابخانه گنج‌بخش

در تاریخ یکم آبان ماه ۱۳۵۰ خورشیدی، موافقتنامه‌ای میان دو دولت ایران و پاکستان به امضا رسید که طبق آن «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» برای بررسی و پژوهش در زبان و ادبیات فارسی ایران و

بخش پایانی

پاکستان در پاکستان تاسیس شد. البته پیش از تصویب آن پیمان‌نامه، آقای دکتر علی اکبر جعفری نخستین مدیر مرکز تحقیقات آغاز به کار کرده بودند و نخستین اقدام ایشان تاسیس کتابخانه مرکز تحقیقات بود.

کتابخانه به بزرگداشت ابوالحسن علی بن عثمان هجویری غزنوی (م ۴۶۵ق-۱۰۷۳م) نگارنده «کشف‌المحجوب»، معروف به داتا گنج‌بخش به نام کتابخانه گنج‌بخش نامگذاری شد و از همان آغاز کتابخانه در دو بخش کتابهای چاپی و خطی بنیاد نهاده شد... اکنون که این فهرست به زیر چاپ است، شماره مجلدات کتابهای چاپی این کتابخانه ۱۲۴۰۴ و مجلدات نسخه‌های خطی به ۸۰۸۰ نسخه رسیده است...

به طور قطع می‌توان گفت که کتابخانه گنج‌بخش دارای نسخه‌های نایاب و کمیاب ارزشمند بسیاری است که از خراسان بزرگ و ماوراءالنهر به شبه‌قاره آمده‌اند، و یا آثاری که در همین سرزمین به وجود آمده‌اند که در ردیف گرانبهاترین آثار شرقی به حساب می‌آیند...

مرکز تحقیقات کوشیده است که نسخه‌های خطی فارسی درجه دوم را که بیشتر در معرض انهدام و نابودی بوده‌اند، از آسیب باران و سیل و موریانه برهاند، و در جای نسبتاً امنی نگهداری کند. نسخه‌های هنری همه جا اعتبار دارند و «موزه‌نشین»های «خوشبختی» هستند که در موزه‌های جهان حتی نظر هر تماشاچی متوسطی را به خود جلب می‌کنند؛ اما همه آثار فارسی پاکستان که زیبا و آرایش کرده نیستند.

بیشتر نسخه‌های در حال نابودی، ستون ادبی، عرفانی و دیوان‌ها و به‌ویژه کتابهای درسی مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیمه شبه‌قاره هستند. نسخه‌هایی با حواشی طلیگی که چهره چروکیده و آنها حکایت از خدماتی می‌کند که به فرهنگ مشترک دو ملت همسایه ایران و پاکستان کرده‌اند و اسنادی هستند از اینکه تا همین نزدیکی‌های روزگار ما زبان فارسی، زبان درسی در شبه‌قاره بوده است.

و بدین گونه کتابخانه گنج‌بخش نه تنها کتابهای نایاب و کمیاب نسخه‌های هنری ارزشمندی را گردآوری کرده است، بلکه «بهترین‌های» تازماری را کشف کرده و در گنجینه‌های خود گردآورده است که از نظر ملی ما و ملت دوست پاکستان ارزش ویژه‌ای دارند که حقا می‌بایست گفت مآثر پاکستان و مفاخر ایران هستند...» احمد منزوی پس از معرفی اجمالی کتابخانه گنج‌بخش و نسخه‌های خطی موجود در آن، اشاره‌ای هم به مشکلات زندگی خود دارد که توجه به آنها، همت بلند و والا و تحمل و فداکاری او را نشان می‌دهد: «بیش و پیش از همه از استاد دکتر علی‌اکبر جعفری مدیریت مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان سپاسگزارم که مرا یاری کردند که باز به زندگی خود برگردم و من فراموش نمی‌کنم آن زمستان سرد و تاریک، زمستانی که سالها را در برگرفته بود، و من با دلی پر از خون و چرک میهن عزیزم را ترک کرده بودم، به راهی می‌رفتم که پایشان را نمی‌دیدم و خفقان بیشتر کسان را به تباهی کشانده بود و یا من چنین تصویری داشتم و به بیماری یأس گرفتار بودم. در آن روزها بود که مردی... به من پیشنهادی کرد که سالها به دنبالش دویده بودم. پیشنهاد کار، کار در رشته‌ای که مورد علاقه من بود و عمری کنار از امکانات لازم، در آن مصروف کرده بودم.

و سپس از استاد دکتر مهدی غروی، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، که به محض تصدی کار مرکز، مهربانی‌های ایشان و خانواده محترمشان، شامل حالم گشت، گاه و بیگاه تا ساعت‌های دیروقت شب به کتابخانه مرکز سر زده‌اند و با مهربانی و همزبانی خستگی را از تنم زدوده جان تازه‌ای می‌دادند. ایشان توجه خاصی به رفاه حال من کردند، هیجده ماه بود که من در یک انبار جنب کتابخانه زندگی می‌کردم، جایی که آفتاب بدان نمی‌تابید. در فصل بارندگی همه فضای آن را آب می‌گرفت و از آب گرم و گاز خبری نبود. به کوشش ایشان مرکز به ساختمان تازه جایجا شد و زندگی من سر و سامانی یافت.

ادامه در صفحه بعد

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
شماره ۲۴	
شماره مسلسل ۱۵۱۸	
یادمان - تاریخ	
پست الکترونیک: besatonline@gmail.com	

لباس شخصی! به طور خودجوش! - یا به تحریک پان ایرانیست‌های هوادار جناب پیشوا - قرار گرفتند و یا سنگ و آجر و چماق، مردم را در بیت ایشان مضروب و مجروح ساختند و یکی نفر هم به نام حدادزاده به قتل رسید، البته بعضی از عناصر لباس شخصی! خودسر! خودجوش، دستگیر و بازجویی شدند ولی هیچوقت محاکمه نشوند - مراجعه کنید به اسناد مربوطه در مرکز اسناد انقلاب اسلامی با دستخط‌ها و یادداشت‌های دوستان و از جمله شادروان داریوش فروهر - ...

آیا باز هم بگویم استاذ؟

*** حیف نبود بازیگر فیلم «اژدها» بشوید و شهادت دروغ بدهید؟**

در خاتمه باید یادآور شوم که من با بیشتر نوشته‌های شما، آشنا هستم و منهای بعضی مسائل مانند دفاع از رضاخان و امثال آن! شاید با شما هم عقیده باشم، ولی حیف نبود که آخر کار!، «بازیگر» فیلم «اژدها» بشوید و به دروغ شهادتی بدهید که خود می‌دانستید دروغ است و اکنون هم احساس گناه می‌کنید؟ به نظر من که کار درستی نبود: و الله العالم.

یادم آمد که وقتی شیخ محمدباقر کمره‌ای با سید علی اکبر برقی قمی - هر دو روحانی - در فستیوال صلح بخارست به دعوت حزب توده، شرکت کردند - و آنجا حرکات موزون دختران کمونیست را که گویا هُنْ کَالْخُمْرْ!، بودند - به طور مشروح! به تماشا نشستند. پس از مراجعت مورد انتقاد بعضی‌ها قرار گرفتند و جریده ای نوشته بود:

جناب شیخ شنیده‌ام کشیش دیر شدی! خوشا به حالت عجب عاقبت بخیر شدی.

... من فکر می‌کنم که زیادنویسی و اصرار بر حضور همیشگی در صحنه! موجب این عوارض می‌گردد.

منبع: نسیم آنالین

پیش آمد و همه کادرهای حزب توده دستگیر و شاخه‌ها سرکوب شدند. برادرم محمدرضا در این جریان زیر شکنجه کشته شد و برادر دیگر علینقی دستگیر گردید و من در واقع سرخورده از نوع فعالیت حزب توده در قبال کودتای ۲۸مرداد که در سکوت کامل برگزار شد و برخلاف انتظار هیچ‌گونه دستوری برای مقابله با کودتا به حوزه‌های حزبی ابلاغ نگردید، سیاست را به کلی رها کردم و به کارهای فرهنگی روی آوردم که شغل مورد علاقه‌ام بود و به همان فهرستنویسی در ایران و پاکستان پرداختم که شما با چگونگی آن آشنا هستید»

گفتم: «بلی، همین‌طور است و یادم هست که جناب‌عالی علاوه بر مجلدات فهرستهایی که در پاکستان تنظیم کرده و چاپ کرده بودید، مجلداتی هم از کتابهای چاپ «مرکز تحقیقات» را به من اهدا کردید که مجموعه آنها یکی دو کارتن شد و خوشبختانه همراهانم در آن سفر، باری نداشتند و من توانستم آن کتابها را با هواپیما به همراه خود بیاورم!»

استاد احمد منزوی پس از ۱۵ سال اقامت در شبه‌قاره و به انجام رساندن دهها خدمت فرهنگی و اثر ماندگار در عالم فهرست‌نگاری و تدوین و تنظیم و چاپ چهار مجلد «فهرست نسخه‌های کتابخانه گنج‌بخش» و چهارده مجلد «فهرست مشترک نسخه‌های فارسی پاکستان» و یک جلد «سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی» و یک جلد «فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه عمومی و آرشیو پتیاله» (پنجاب هند) و «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ناصریه لکنهو (هند)»، به ایران بازگشت و در مراکز فرهنگی به‌ویژه «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» به خدمت خود ادامه داد که از جمله از تدوین فهرست نسخه‌های خطی و عکسی آن مرکز و پیگیری طرح «فهرستواره کتابهای فارسی» می‌توان نام برد و تا آخر عمر در این مرکز بزرگ به کار خود ادامه داد.

احمد منزوی که در سال ۱۳۰۴ در سامرا به دنیا آمد بود، سرانجام در آرمه گذشته در ۹۰سالگی در تهران از دنیا رفت و این سطور به مناسبت چهلمین روز درگذشت او مکتوب گردید.

مسئله کودتا و گریزی به صحرای کربلای طهران!

سه نفر حضور داشتند و من و آقای حجتی هم بر آنها اضافه شدیم!... یعنی فقط ۵ نفر! -

آیا این آیت الله کاشانی می‌توانست مانند ۳۰ تیر کفن ببوشد و مردم را به قیام و حضور در خیابان‌ها دعوت کند؟ انصاف هم خوب چیزی است و لابد می‌دانید که در تخریب شخصیت ایشان، ملی‌گرایان یعنی اصلاح‌طلبان آن دوران نقش اساسی بر عهده داشتند. مانند حوادث دوران‌های بعدی... و مدعیان مصلح بودن که مفسد بودند، آیت الله هاشمی رفسنجانی را نخست عالیجناب سرخ پوش نامیدند و سپس کردند آنچه را که نمی‌بایست...

راستی! از آیت الله کاشانی، سهمی هم باید به امریکا می‌رسید که دوستان ملی‌گرا با ترجمه کتاب «کودتا»ی یک روزنامه‌نگار مجهول‌الیهوی امریکایی - و چاپ چنده نوبتی آن - آن را هم رقم زده و اعلام فرمودند که گویا امریکا مبلغ ده هزار دلار، توسط احمد آرمش، به آیت الله ارسال داشته که در کودتا شرکت کند! و البته همان‌ها خودشان هم نوشته‌اند که نمی‌دانیم این پول به دست آیت الله رسیده یا نه؟... ولی دوستان ما در ایران اصرار دارند که بلی! آیت الله ده هزار دلار (یعنی ۷۰ هزار تومان) گرفته‌اند تا در پیروزی کودتا سهمیم شوند... و بدین ترتیب سهمی هم در جاسوسی امریکا، نصیب ایشان گردید!...

*** فداییان اسلام، گارد ضربت جبهه ملی بودند**

اما به دوست محترم بگویم که شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام کجا بودند؟ نواب صفوی که به اعتراف همگان نقش اصلی را در به پیروزی رساندن جبهه ملی در انتخابات به عهده داشت و به قول مرحوم مهندس سحابی، گارد ضربت جبهه ملی بودند و اگر آنها به میدان نمی‌آمدند، جبهه ملی به روی کار نمی‌آمد - رجوع کنید به خاطرات شادروان مهندس عزت الله سحابی - به اتهام تحریک مردم برای تخریب یک مشروب فروشی در شمال کشور در دوران قبل! دستگیر و به زندان دوستان رفت! و این زندانی شدن توسط دوستان ملی‌گرا، علیرغم همهٔ وساطت‌ها، توسط آقای امیر

گذشت و روزی در تهران در دیداری خصوصی، سؤال اسلام‌آباد را تجدید کردم؛ خندید و گفت: ماشاءالله هنوز موضوع را فراموش نکرده‌اید! گفتم: «نه! برای من اهمیت دارد که بدانم چرا فرزندان شخصیتی چون آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی در عراق و ایران به احزاب چپ پیوستند و در راه اهداف آنها فعال بودند؟» از چهره‌اش پیدا بود که آمادگی توضیح زیاد را ندارد؛ ولی به خاطر اصرار من و به قول او «به احترام من» گفت: «فهرست‌وار بگویم؛ چون من فهرست‌نگارم، دهها هزار جلد کتاب خطی را فهرست‌نگاری کرده‌ام، به این موضوع هم فهرست‌وار اشاره می‌کنم. به شرط آنکه در حال حیات من، جایی چاپ نکنید که حوصله تکرار درس‌های سیاسی پیشین را ندارم...» من هم شرط را پذیرفتم و او گفت: «من در بیت شخصیتی چون شیخ آقابزرگ و در سامرا به دنیا آمدم، در نجف بزرگ شدم، دروس قدیمی را پیش شاگردان پدرم خواندم و دروس جدید را در مدرسه علوی ایرانیان؛ چون پدرم معتقد بود که باید زبان فارسی را به طور کامل یاد بگیرم. در آن دوران اندیشه‌های شونویستی عربی رواج یافت و در ایام سلطه نوری سعید و ملک عبدالله کامل شد و فشار قومیت عربی بر اقلیت ایرانی باعث شد که در مدرسه علوی، بعضی از ایرانی‌ها «گروه سربازان» را تشکیل دادند و هوادار ناسیونالیسم ایرانی شدند. در این ایام حزب کمونیست عراق هم خیلی فعال شد و دهها نشریه و روزنامه و صدها کتاب مارکسیستی به زبان عربی چاپ و به طور رایگان توزیع می‌کرد. در قبال این وضع، علمای محترم نجف همچنان به بحثهای قدیمی خود و «شبهه عباثیه» و «فروع علم اجمالی» و از این قبیل مسائل که مشکل فکری جوانان را حل نمی‌کرد ادامه می‌دادند و هیچ نوع نوآوری در مباحثشان دیده نمی‌شد؛ کسانی چون سیدمحمدباقر صدر نبودند که «فلسفتنا» و «اقتصادنا» بنویسند و جوانان را با مفاهیم اصل اسلامی آشنا کنند، یا مثلاً یک حزب و تشکل سیاسی اسلامی وجود نداشت، یا فعال نبود که بتواند جوانان را جذب کند. این بود که من هم مانند خیلی از جوانان شیعه به «الحزب الشیوعی العراقی» پیوستم و این به سال ۱۳۱۸ بود.

ادامه از صفحه اول

می فرمایید: آیت الله کاشانی چرا اقدام نکرد؟ نه برادر!، شما واقعاً فکر می‌کنید که آیت الله کاشانی می‌توانست کاری انجام دهد و نکرد؟ واقعیت امر اینست که پیشوا که در پاسخ هشدار ایشان مرقوم داشت: «مستظهر به پشتیبانی ملت است» - و این حرف را به دکتر سنجابی و بقیه هم که مخالف انحلال مجلس بودند، گفته بود که نگران نباشید، مردم با ما هستند! و ارتش هم در اختیار ما است و شاه هم جرئت نمی‌کند مرا «عزل» کند - زمینه‌ای برای اقدام ایشان نگذاشته بود...

*** ملی‌گرایان، یعنی اصلاح طلبان زمان مصدق در خانه نشینی کاشانی نقش اساسی داشتند**

آیت الله کاشانی توسط عناصر و اعضای وابسته به پیشوا و روزنامه‌های ملی‌گرا، خانه‌نشین شده بود... یعنی: آیت اللهی که در قیام مردم عراق اسلحه به دست گرفته و با نیروهای اشغالگر انگلیسی، مسلحانه جنگیده و سپس از طرف آنها محکوم به اعدام شده و به ایران فرار کرده بود، اکنون شده بود: «جاسوس انگلیس»!... و می‌دانیم که این مرد، نخست جاسوس آلمان هیتلری بود! و به همین جرم! دستگیر و تبعید شده بود و بعد در جریان ترور شاه توسط ناصر میرفخرایی خبرنگار روزنامه پرچم اسلام، متهم به نقش داشتن در ترور شاه شد و توسط سرتیپ دفتری! - قوم و خویش جناب پیشوا که چند روز قبل از کودتا هم توسط خود پیشوا رئیس کل شهربانی کشور شده بود و در کودتا شرکت مستقیم داشت - دستگیر و به لبنان تبعید شد... و بعد هم توسط روزی‌نامه‌نگاران؛ پرخاش، شورش، جبهه و غیره! جاسوس انگلیس نام گرفت و در عکس‌ها و کاریکاتورهای شرم‌آور، عمامه او را با پرچم انگلیس! چاپ کردند و بعد... خوب بفرمایید این آیت الله چه کاری می‌توانست بکند و نکرد؟ من در همان دوران، روزی با مرحوم علی حجتی کرمانی، که از قم آمده بودیم، به قصد دیدار ایشان به پامناز رفتیم... ایشان عازم مسجد بود برای نماز جماعت! و ما هم همراه ایشان رفتیم؛ در مسجد فقط

ادامه از صفحه قبل

اگر یاری‌های ایشان در رفع مشکلات نبود، نه این فهرست به موقع به انجام می‌رسید و نه چاپ آن به این زودی میسر می‌گشت...»

در آن دیداری که با او در میان تلی از کتابهای خطی همراه دوستان رخ داد، منزوی نگران یک کبریت بود که از سوی نادانی کشیده شود و همه آن آثار بی‌پناه و روی هم انباشته را که بعضی از آنها را آفت موربانه ناقص ساخته بود، به خاکستری میدل سازد و آثار این نگرانی به وضوح در چهره او دیده می‌شد؛ کاری که بعدها در کتابخانه رادپندی رخ داد. سپس کتابخانه ارزشمند و فاخر نمایندگی فرهنگی ایران اسلامی در لاهور که به همت صادق گنجی مملو از گنجهای پرقیمت کتاب شده بود، به دست جاهلان تکفیری خاکستر شد!

البته حادثه هولناک و به قول او جگرسوز کتابخانه «الرِیاض» معین‌الدین لاهور هم بر نگرانی‌های او افزوده بود؛ زیرا می‌گفت: «نبمی از نسخه‌های خطی با ارزش این کتابخانه را موربانه‌ها آنچنان خورده بودند که نمی‌توانستیم برگی از برگ دیگر کتاب را از یکدیگر جدا سازیم و تیم دیگر هم در آستانه نابودی بود که با زحمت زیاد فهرست‌برداری شد!»

به‌نظرم در آن دیدار آقای دکتر احمدتیم‌داری (حفظ‌الله) هم حضور داشت که ادبیات فارسی تدریس می‌کرد و در کلاس «مثنوی خوانی» هفتگی او در مرکز تحقیقات، فرهیختگان و علاقه‌مندان پاکستانی شرکت می‌کردند و احمد منزوی هم به‌قول خودش، یکی از شاگردان آن بود. در آن دیدار من از استاد منزوی درباره فعالیت‌های سیاسی پیشین او در عراق و ایران پرسیدم که علاقه‌ای به بیان چگونگی آن نداشت و گفت: «هرچه بوده، گذشته است و پس از سال ۱۳۳۵، سیاست را به طور مطلق رها کرده‌ام و نمی‌گویم بوسیده‌ام و کنار گذاشته‌ام؛ زیرا سیاست به مفهوم امروز ارزش بوسیدن ندارد!»

سالها بعد

در آن جلسه عمومی نخواستم او را در محظور قرار دهم به‌ویژه که فرصت هم زیاد نبود. تا آنکه روزگار

روش صهیونیستی آل خلیفه در برخورد با مخالفان

ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه گفت: رژیم آل خلیفه با در پیش گرفتن سیاست رژیم صهیونیستی هموطنان بحرینی را به اجبار از کشورشان بیرون می کند. به گزارش «منامه پست»، ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین با اعلام این موضوع در بیانیه ای تأکید کرد: نظام بحرین برای مقابله با انقلاب مردم این کشور طی بیش از ۵ سال گذشته این خط مشی را در پیش گرفته است.

این ائتلاف تأکید کرد: شیوه های اطلاعاتی و سرکوبگر آل خلیفه همان شیوه های بکار رفته از سوی رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین است.

بر اساس این بیانیه، سیاست تبعید اجباری هموطنان در بحرین یک سیاست کاملاً صهیونیستی است که علیه ملت فلسطین ظرف دهها سال گذشته اجرا شده است. چنین سیاستی نقض آشکار حقوق بشر و معاهده های بین الملل از جمله توافقنامه چهارم ژنو و اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهده مربوط به حقوق مدنی و سیاسی به شمار می آید. این ائتلاف با تمامی افراد تبعید شده به زور از کشور اعلام همبستگی و تأکید کرد:این سیاست صهیونیستی آل خلیفه ای هیچ سودی به همراه ندارد و به اهداف خود تحقق نخواهد بخشید.انقلاب تا تحقق بخشیدن به اهدافش ادامه خواهد یافت تا آنکه بر اساس نتایج رفراندوم مردمی برگزار شده در نوامبر سال ۲۰۱۴ میلادی مردم، به انتخاب و اختیار خود نظام سیاسی جدید کشورشان را برگزینند.

ملت های عرب، در حالی سالگرد انقلابهای ژانویه را یادآوری می کنند که حکام عرب، همان طور که در دوران جاهلیت، دختران خود را زنده به گور می کردند، این بار، بهار عربی و بیداری اسلامی را با پول نفت دفن کردند. پنج سال است که اعراب، گل های بهار عربی را لگدکوب می کنند و گلوی بیداری ملت ها را می فشارند و ضد این و آن توطئه می چینند. پنج سال است که کفتارهای جزیرهٔ العرب، به وسیلهٔ پول و مزدوران زرخرید، علیه امت عربی شیر شده اند و عراق، سوریه، لیبی و یمن را نابود کرده اند. پنج سال است که لباس خرقهٔ پاکی و عربیتِ ساختگی مندرس شده است و از زیر آن، پیکر زشتِ این حاکمان دیوسیرت آشکار شده است.

بهار عربی یا بیداری اسلامی، نسیمی بود که از کشورهای عربی گذشت، اما چه بر سر آن آمد؟ حرف و حدیث درباره بهار عربی یا بیداری اسلامی بودن آن فراوان است و اگر از اسم، بگذریم؛ برخی حتی آن را توطئه ای ضد کشورهای اسلامی و عربی می دانند و آن را گامی اولیه برای حرکت در مسیر هرج و مرج ارزیابی می کنند. با این حال در این میان، اصولی وجود دارد که در تحلیل این فرایند، نمی توان بر روی آن ها چشم بست، به ویژه که همه، در قبال این اصول، اتفاق نظر دارند.

۱. همه کشورهایی که در آن ها انقلاب یا بیداری اتفاق افتاد، تحت حاکمیت رژیم هایی دیکتاتور (اعم از نظامی و غیرنظامی) بودند و در هیچ یک، مردم، در حاکمیت بر سرنوشت خود و تقسیم ثروت کشور، نقشی نداشتند. در تونس، بن علی ۲۳ سال بر مردم حکومت کرد و در مصر حسنی مبارک ۳۰ سال حکومت کرد، و در بحرین آل خلیفه ۴۰ سال حکومت را در دست دارد. ۲. اکثر مردم در این کشورها، شهروندانی درجه دو و درجه سه محسوب می شدند و تنها عدهٔ معدودی تمامیت خواه الیگارشیست بر حکومت و ثروت چیره بودند. فقر و تنگدستی، عامل اصلی انقلاب نبود، بلکه عزت لگدمال شده، منشأ خیزش بود. به عنوان مثال، محمد بوعزیزی که به عنوان آغازگر انقلاب تونس به شمار می رود، سال ها مانند سایر مردم، طعم فقر و نداری را چشیده بود اما

تروریست خواندن حزب الله؛ علت ها و پیامدها

ادامه از صفحه اول

تصمیم ننگین علیه حزب الله

به نوشته روزنامه الکترونیکی الوطن مصر، علی ملحم روزنامه نگار لبنانی،تصمیم کشورهای اتحادیه عرب در قرار دادن حزب الله در فهرست گروه های تروریستی را روز سیاهی در تاریخ عرب ها به شمار آورد. به باور او در پیش گرفتن این تصمیم توسط اتحادیه عرب چیز عجیبی نیست زیرا رهبران عرب بر پایه دیدگاه عربستان تصمیم گیری می کنند.

ملحم درمصاحبه باروزنامه الوطن افزود:بایدآاور شویم که این روز، روز سیاسی در تاریخ کشورهای عربی است. زیرا این کشورها گروهی را که دشمن صهیونیستی را شکست داد و از لبنان بیرون کرد در فهرست گروه های تروریستی قرار دلداند.

به باور ملحم، عربستان با همه ابزارها لبنان را زیر فشار قرار داده و از این راهبردی می خواهد با به دست آوردن امتیازهایی در این کشور، شکست های خود در سوریه، عراق و یمن را جبران کند. اما آنچه امروز رخ داده با خواسته های رژیم صهیونیستی همسو است و نشان دهنده روابط میان عربستان و این رژیم می باشد.موافقت همه کشورهای عربی به جز عراق و لبنان با تصمیم قرار دادن گروه مقاومت درفهرست گروه های تروریستی اقدامی بسیار زشت است و این تصمیم یکی از بدترین تصمیم هایی است که در اتحادیه عرب گرفته شده است.

عماد قنديل یک فعال شیعی به تارنامای فیتو مصر گفت تصمیم کشورهای عربی در قرار دادن حزب الله در فهرست گروه های تروریستی نقش عربستان در زیر فشار قرار دادن کشورهای عربی را آشکار می کند.عربستان از اوضاع وخیم اقتصادی

در کشورهای عربی سواستفاده می کند تااین چنین تصمیم های را بگیرد. این کشور نقش حزب الله را در رویارویی با رژیم اسراییل و حفظ سوریه بدون اینکه این کشور تجزیه شود را فراموش کرده است. به گفته قنديل، قراردادن حزب الله در فهرست گروه های تروریستی اختلاف مذهبی را شعله ور می کند و آثار منفی برای سراسر منطقه در پی خواهد داشت. هر چند که ایران اجازه نخواهد داد منطقه به لبه پرتگاه برسد.

به باور این فعال رسانه ای کسانی که حزب الله را در فهرست گروه های تروریستی قرار می دهند برای خود ننگ و عار را به ارمان می آورند و با تروریست ها همراه می شوند و تاریخ خود را سیاه می کنند و به رژیم صهیونیستی خدمت می کنند. یاسر الحریری روزنامه نگار لبنانی نیر در گفت و گو با شبکه خبری الجزیره در پاسخ به برخی مخالفان حزب الله، از این حزب دفاع کرد. او گفت: حزب الله نخستین حزبی است که در رویارویی با رژیم اسراییل برای جهان عرب به پیروزی دست یافت. وی از حزبی که با رژیم اسراییل نبرد می کند دفاع کرد و گفت برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس در حالی که از گروه های تروریستی – تکفیری در عراق، سوریه و یمن پشتیبانی می کنند، حزب الله را تروریست می دانند.

به باور این روزنامه نگار، قرار دادن حزب الله توسط کشورهای عربی در فهرست گروه های تروریستی هدیه ای به رژیم اسراییل است. او درادامه افزود:ایران طرح جدی برای حمایت از مساله فلسطین دارد اما کشورهای عربی فقط با این مساله تجارت می کنند.ایران و حزب الله بیشترین حمایت را از مقاومت فلسطین به عمل آورده اند.

بهاری که در کشورهای عربی زنده به گور شد !

دست ساز آنان را می بلعید.

۷. برای مردم و انقلابیون ثابت شد که قدرت آن ها، بیش از قدرت حاکمان طغیانگر است، زیرا آتش خشم جمعیتِ مردمی، در چشم به هم زدنی پلنگ های مقوایی حاکم بر این کشورها را خاکستر کرد. رژیم زین العابدین بن علی در تونس و رژیم حسنی مبارک در مصر، در مدتی کمتر از یک ماه در ۱۴ ژانویه و ۱۱ فوریهٔ سال ۲۰۱۱ از هم پاشیدند.

۸. همه انقلاب های بهار عربی یا بیداری اسلامی، مسالمت جویانه بود و از شیوه هایی که ملت های جهان در اعتراض به کار می بردند، تعدی نمی کرد مگر در مواردی ناچیز که آن هم به سبب درگیر شدن عناصر حکومتِ مستبد با مردم و واکنش مردمی به آن ها شکل گرفت. ۹. در این میان، آن چه در لیبی و سوریه به خشونت مسلحانه و جنگ داخلی تبدیل شد، ربطی به بهار عربی یا بیداری اسلامی نداشت، بلکه به این دلیل بود که این اقدامات، به ویژه در سوریه، فاقد ویژگی های بهار عربی یا بیداری اسلامی و شروط انقلاب بود.

در این زمینه، می توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. در این دو کشور، تشکیلاتی وجود داشتند که وابسته به تشکیلات جهانی اخوان المسلمین بودند و این تشکیلات برنامه هایی بین المللی داشت که به رژیم ها و سازمان هایی مزدور آمریکا و غرب نظیر مصر، ترکیه، قطر، اردن و مغرب مرتبط بود.

۲. بهار عربی یا بیداری اسلامی واقعی در این کشورها، دور زده به سمت و سوی سازمان های مقاومت سوق داده شد و رنگ و بوی طائفه ای به آن داده شد و سازمان های تروریستی به آن نفوذ داده شدند و به این ترتیب، بیداری از درون تهی شد و کار به جایی رسید که بسیاری آرزو کنند که کاش اوضاع به پیش از سال ۲۰۱۱ بازگردد، زیرا پذیرش تلخی شرایط و عزتِ پایمال شده، از پذیرش اوضاع جدید راحت تر بود؛ مردم و کشور در کانونِ توفان هایی گرفتار شده بودند که توطئه اعراب و غرب ضد بهار عربی، به پا کرده بود.

۳. نظام های حاکم در سوریه و لیبی، در معرض هجمهٔ حاکمانِ عرب حاشیه خلیج فارس و به ویژه

دکتر ولایتی:

آنچه ایران تاکنون انجام داده حفظ وحدت بین همه امت اسلامی بوده است

علی اکبر ولایتی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار با شماری از علمای سوریه اظهارداشت: سوریه روزهای سخت و البته پرافتخار و ماندگار تاریخی را پشت سر گذاشته و ان شاء الله ملت بزرگ سوریه و دولت سوریه پیروز خواهند شد.

دکتر ولایتی با اشاره به ضرورت توجه به شرایط امروز منطقه و جهان گفت: موضوعات و مسائل منطقه خاورمیانه بی تردید امروز تاثیر گذارترین شرایط را بر عرصه بین المللی دارد و جمهوری اسلامی ایران با حمایت از جبهه مقاومت و پایداری در کنار دولت و ملت سوریه تمام ظرئیت های خود را برای تأمین ثبات و امنیت در این منطقه به کار گرفته و خواهد گرفت که بی تردید جریانات افراطی و تکفیری و تروریسم هایی که از جانب برخی کشورهای عربی و کشورهای مرتجع منطقه حمایت می شوند تنها این منطقه را تحت تاثیر قرار نمی دهند بلکه می توانند ثبات و صلح بین المللی و حامیان خود را به خطر بیندازند.

وی تأکیدکرد: دشمنان اسلام در تلاش برای ایجاد اغتشاش و تفرقه و نفاق بین امت اسلامی و پاره پاره کردن پیکره جهان اسلام هستندو آنچه ایران تاکنون انجام داده حفظ وحدت میان همه امت اسلام چه شیعه و چه سنی درجهان اسلام است و باید در مقابل توطئه دشمنان وحدت داشت و ایستادگی کرد.

دکتر ولایتی در ادامه تصریح کرد: متأسفانه در گذشته دشمنان و استعمار گران با هزینه خودشان در دیگر کشورها اقدام می کردند و نقشه های خود را به پیش می بردند اما در عصر ما با هزینه خود مسلمانان، آنان را به جان یکدیگر انداخته اند و ما خط مقاومت را تعریف کردیم تا در مقابل این توطئه ها بتوان مقابله و ایستادگی کرد.

وی با اشاره به جایگاه حزب الله لبنان به عنوان مایه افتخار و مباهات جهان اسلام و عرب گفت: در حالی که منشأ و وابستگی فکری افراطیون، تروریست ها و تکفیری های منطقه کاملاً مشخص است شاهد هستیم با هدایت برخی کشورهای استعماری و حمایت برخی کشورهای مرتجع منطقه حزب الله که مظهر ایستادگی و مقاومت و مایه افتخار جهان اسلام و عرب است به عنوان گروهی تروریستی معرفی می شوند که بسیار تاسف انگیز است و باید گفت توطئه دشمنان در منطقه علیرغم همه فتنه ها محقق نخواهد شد.

عربستان بودند. علت این هجمه نیز دلایل شخصی و سلیقه ای میان سران این کشورها بود. فیلم مرگ شاهزاده و همچنین ترور ناکام معمر قذافی و مشاجرهٔ لفظی وی با پادشاه عربستان در اجلاس اتحادیه عرب، از دلایل این اختلافات شخصی و سلیقه ای بود.

۴. اما در خصوص سوریه، نابودی این کشور، تصمیم رژیم صهیونیستی بود، این رژیم در پی آن بود که همسایگان خود را نابود کند تا مقاومت فلسطین و لبنان را بی پشتوانه کند و از این طریق، امنیت این رژیم برقرار شود.

اگر بخواهیم امروز، به بهار واقعی عربی برگردیم، می توانیم آن را در بحرین ببینیم، ملتی با وجود همه سرکوبگری و اشغال این کشور از سوی عربستان همچنان بر خیزش مسالمت جویانه پافشاری می کند و اصرار دارد اراده خود را در خصوص تحقق تغییر و اعتماد به نیروهای میهن پرست، محقق سازد و در این راه، از شیوه های خوفناک تجاوز و کشتار سعودی – آمریکایی ضد ملت یمن ترسیدند.

در این میان، دو تابلو از انقلاب های عربی، در برابر دیدگان ما قرار دارد، یکی انقلاب دروغین، که ناشی از توطئهٔ «اعراب بلوی – عثمانی ها – صهیونیست ها»ست و نتیجهٔ آن دو کشور ویران شدهٔ لیبی و سوریه است که همچنان درگیر ویرانی و خرابی و جنگ داخلی و فتنه طائفه ای است.

نمونهٔ دیگر انقلاب های عربی، انقلاب تونس و مصر است که در آن ها، همچنان نیروهای شرارت و پسمانده ها با نیروهای انقلاب درگیر کش و قوس هستند و اعراب توطئه گر حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی برآنند که این انقلاب ها را از مسیر منحرف سازند و کنترل آن ها را به دست گیرند.

به این ترتیب باید گفت که اعراب و در رأس آن ها آل سعود، انقلاب های عربی را زنده به گور کردند تا پرتو نور این انقلاب ها به ظلمتکدهٔ آنان نرسد. این طرز تفکر، ریشه ای تاریخی در میان اعراب دارد، اعرابی که در دورهٔ جاهلیت، دختران خود را در خاک دفن کردند، امروز، انقلاب های خود را در چاه های نفت، دفن کردند. «**علاء رضایی**»

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با بیان این که ولایت، نعمت کبری الهی بر ما است که سبب نورانی شدن وجود آدمی می شود، گفت: قدر نور ولایت و نعمت تاهمه را بدانیم و به آن وفادار باشیم، باید این پابندی به ولایت را از جوانی در خود تقویت کنیم.

وی یادآور شد: اکنون امام زمان (عج) طلبه درس خوان، مذهب، متدین، باهوش، پرکار، صالح و... می خواهند. در روایت نیز آمده: «شیعیان ما پرکار و خدا ترس هستند.» متأسفانه یکی از آفاتی که بسیاری گرفتار آن شده اند، تنبلی است.

آیت الله اراکی در بخش دیگری از سخنان خود، نصیب شدن نعمت ولایت برای بشر را مدیون مجاهدت های صدیقه کبری (س) دانست و اظهار کرد: اگر حضرت فاطمه (س) قیام نکرده و به دفاع از حق نمی پرداختند، این حق ولایت به بشر نمی رسید.

وی افزود: چه مصیبت بزرگی از این که دست بشر از دامن علی و اولادش جدا شود. اگر صدیقه کبری (س) از ولایت دفاع نمی کردند، حتی امیرمؤمنان (ع) نیز نمی توانستند از حق خودشان دفاع کنند؛ چرا که مردم دفاع امام علی (ع) از ولایت را ناشی از رسیدن حضرت به قدرت و ثروت می دانستند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: نقش دینی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت نقش محوری بود. قیام، خروش و نهضت فاطمه (س) در راه ولایت بود و ایشان در این راه فدا شدند.

معاون امور اجرایی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

حضور بیگانگان موجب اختلاف و تنش میان کشورهای اسلامی می شود

فقهی اثبات شده است.

گلسرو ادامه داد: با توجه به اینکه از لحاظ فقهی این مسئله اثبات شده از دو سال قبل مجمع جهانی تقریب تصمیم گرفت که جامعه مخاطب خود را از سطح علمایی به سایر اقشار جامعه نیز گسترش دهد؛ بنابراین در دوره اخیر کنفرانس وحدت علاوه بر علما از سایر اقشار جامعه از جمله بازرگانان، دانشگاهیان، احزاب، بانوان و اصحاب رسانه جهان اسلام برای

حضور در کنفرانس وحدت دعوت به عمل آورده است.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: همچنین در این راستا تعداد زیادی اتحادیه از جمله اتحادیه تجار و بازرگانان جهان اسلام، اتحادیه زنان مسلمان، اتحادیه دانشگاهیان جهان اسلام، اتحادیه علمای مقاومت، اتحادیه احزاب حامی مقاومت و دبیرخانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی را راه اندازی کرد.

وی با اشاره به اهداف راه اندازی دبیرخانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی، خاطرنشان کرد: طی دو دهه اخیر بویژه بعد از صدور فرمان مقام معظم رهبری برای ایجاد یک جنبش در حوزه علوم و فن آوری، شاهد تحولات خوبی در زمینه توسعه علوم و فن آوری در جمهوری اسلامی ایران بودیم و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی معتقد است که سایر کشورهای اسلامی نیز باید از توسعه علوم و فن آوری بهره مند شوند زیرا اگر توسعه علمی در کشورهای اسلامی به صورت هماهنگ اتفاق بیافتد قطعاً کشورهای اسلامی به قطب بزرگ علمی در جهان امروز تبدیل می شوند.

وی افزود: ما می توانیم در این زمینه یک دفتر مشترک همکاری در زمینه توسعه علوم و فن آوری در کشور قریقیزستان داشته باشیم تا این دفتر بتواند ظرفیت های همکاری مشترک میان قریقیزستان و جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی را شفاف تر در اختیار سرمایه گذاران قرار دهد.



به گزارش خبرگزاری مهر، رضا گلسرو، معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با حسن بیک عثمان علیف سفیر قریقیزستان در تهران دیدار و گفتگو کرد.

آقای گلسرو در این دیدار با بیان اینکه ما و مردم آسیای میانه گذشته یکسانی داشتیم و قطعاً آینده مشترکی نیز خواهیم داشت، گفت: این آینده مشترک را باید خودمان بسازیم و برای ساختن این آینده مشترک نیاز به دیدار و شناخت بیشتر داریم.

وی افزود: بخش عمده مشکلات دنیای امروز بویژه جهان اسلام ناشی از عدم شناخت یکدیگر است و اگر ما مشترکات را مبنای صحبت قرار دهیم قطعاً این مشترکات در حد و اندازه های هستند که این مختصر اختلافات را نیز برطرف کنند.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع جهانی تقریب در ادامه با اشاره به دخالت بیگانگان در امور کشورهای اسلامی تأکید کرد: بخشی از مشکلات موجود میان کشورهای اسلامی نیز ناشی از دخالت بیگانگان در امور کشورهای اسلامی است. لذا باید به این نکته اشاره کنیم که اکنون کشورهای اسلامی به آن مرتبه از رشد و بالندگی رسیده اند که بتوانند مشکلاتشان را بدون دخالت بیگانگان میان خودشان حل کنند.

وی افزود: هر جا که بیگانگان ورود کردند موجب اختلاف و تنش میان کشورهای اسلامی شدند بنابراین این مسئله نشان می دهد که ما با کشتی بیگانگان نمی توانیم به ساحل آرامش برسیم.

گلسرو با اشاره به راه اندازی مجمع جهانی تقریب به دستور مقام معظم رهبری، گفت: هدف از تشکیل این مجمع ایجاد یک گفتمان مبتنی بر اصل برادری میان همه مسلمانان است و بعد از برگزاری ۲۹ دوره کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در تهران توسط مجمع جهانی تقریب می توانیم به صراحت اعلام کنیم که اکنون مسئله وحدت و برادری به عنوان یک اصل

آیت الله اراکی:

نعمت ولایت به سبب مجاهدت صدیقه کبری به بشر رسید

مجرمان بر اساس شکل و شمایلشان جدا می شوند. دبیرکل مجمع جهانی تقریب با اشاره به این که در قیامت از انبیا و اولیا پرسیده می شود: «مردم چگونه دعوت شما را پاسخ دادند؟» عنوان کرد: از این بزرگواران درباره حال امت پرسیده می شود؛ چرا که مسئول هستند. اکنون نیز این مسئولیت بر عهده روحانیان و طلاب است. بنابراین اگر دیدیم مردم به دین و اخلاق پایبند نیستند، باید نخست ببینیم که ما چگونه رفتار کرده ایم. وی تأکید کرد: به طور کلی در قیامت دو مرحله امتیازدهی و پرسش وجود دارد. در مرحله امتیازدهی مؤمنان و مجرمان بر اساس چهره هایشان از یکدیگر جدا می شوند و در مرحله پرسش نیز هر فردی درباره اعمال، کردار و رفتار خود مورد پرسش قرار می گیرد. به همین دلیل باید بسیار مراقب رفتار و کردار خود باشیم. خیال نکنیم که اعمال هر فردی از او جدا شده و یا به فراموشی سپرده می شود.

آیت الله اراکی، انبیا و اولیا را میزان در قیامت دانست و گفت: اگر فردی شخصیتش کج باشد، به وسیله این میزان ها مشخص می شود. به فرموده روایت نبی اکرم (ص) در رأس میزان ها و پس از ایشان امیرمؤمنان (ع) قرار دارند. در روایت دیگر نیز آمده که تمام کارهای میزان در قیامت به علی بن ابی طالب (ع) سپرده شده است: «علی هو المیزان.»

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با بیان این که روایت اهل بیت (ع)، تفسیر قرآن کریم هستند، عنوان کرد: در روایت آمده: «بدون ولایت هیچ عبادتی پذیرفته نمی شود.» وی ادامه داد: بر اساس منطق قرآن فرد بی ولایت کور و نابینا است. شناسنامه هر فردی در قیامت امام (ع)

به گزارش خبرنگار تقریب، آیت الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی همزمان با شب شهادت صدیقه کبری (س) در جمع طلاب مدرسه علمیه برادران شهیدین قم، با بیان این که خداوند متعال در قرآن از دو نعمت کامل عامه و تاهمه یاد کرده است، تصریح کرد: نعمت نبوت یکی از این نعمت ها است که سبب رشد موجودات می شود.

وی افزود: دومین نعمت، نعمت ولایت است که که به وسیله این نعمت رابطه وابستگی به محمد و آل محمد (ص) محقق می شود. نعمت ولایت نوعی اتحاد به وجود می آورد؛ چرا که وقتی فرد محبت اهل بیت (ع) را می پذیرد، یعنی تابع این بزرگواران می شود که اراده خود را نیز بر اساس اراده آن ها قرار می دهد. حتی دوستی و دشمنی خود را در دوستی و دشمنی که ائمه اطهار (ع) مدنظرشان است، قرار می دهد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با تأکید بر این که کیان هر فردی به وسیله اراده او است، اظهار کرد: با هر عمل ارادی یک خشت از ساختمان وجود خودمان را می سازیم که مجموعه این اعمال شخصیت فرد را می سازد. وی اضافه کرد: هیچ فردی نباید خیال کند کاری که انجام می دهد، تمام شده و یا به فراموشی سپرده می شود. بلکه این اعمال بر گردن او آویخته شود و به کتاب اعمال تبدیل می شود. آیت الله اراکی با یادآوری این نکته که اعمال ارادی، هویت و شخصیت فرد را می سازد، تصریح کرد: اگر اعمال ارادی فرد تابع اراده اهل بیت (ع) باشد، شخصیت، هویت و هیات هویت او نیز همانند هویت محمد و آل محمد (ص) می شود، در قرآن نیز تأکید شده که در قیامت مؤمنان و

سردار سلیمانی: جان خود را سپر سنی ها کردیم



به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - اینسا - فرمانده نیروی زمینی قدس سپاه در یادواره شهدای مسجد الرسول (ص) در کرمان گفت: امروز شاهد هستیم که در جهان اهل سنت حریم انسانیت توسط گروه های تکفیری بیش از هر زمان دیگری مورد تهدید و هجوم قرار گرفته است.

سردار قاسم سلیمانی افزود: دشمنان با ایجاد گروه های تکفیری به دنبال به زانو

در آوردن جمهوری اسلامی ایران و شیعه بودند... آیا این که ایران اسلامی از جان و مال مسلمانان دفاع کند به معنای ماجراجویی است؟

وی با اشاره به این که گروه های تکفیری ۲ هزار زن جوان را بین خود خرید و فروش و مساجد و اماکن مسلمانان را تخریب می کنند، گفت: آیا ایستادگی در برابر این جنایات عیب است؟

فرمانده نیروی زمینی قدس سپاه پاسداران اسلامی ضمن اشاره به ادعای برخی در مورد ماجراجویی ایران در منطقه، تصریح کرد: ما دفاع از جان و مال مسلمین را ماجراجویی نمی دانیم... دشمنان چون اصول آگاهی بخشی ایران با اصولشان تطابق ندارد، نمی توانند آن را تحمل کنند و عنوان می کنند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال ماجراجویی است.

وی با تأکید بر این که کار گریز از مرکزی از سوی ایران در دنیا صورت نمی گیرد، افزود: متأسفانه برخی از افراد ندانسته و از روی ناآگاهی این موضوع را تبلیغ می کنند... در جلسات و پیچ پیچ های سیاسی طوری رفتار نشود که گمان ماجراجویی ایران برود.

سلیمانی با اشاره به استقلال کامل تمامی حوزه ها از جمله نیروهای مسلح و اقتصاد در ایران، وجه تمایز ایران با سایر کشورهای جهان را در دموکراسی موجود در کشور و استقلال همه جانبه دانست و گفت: این وجه تمایز مثبت، پاک و نمونه است.

این فرمانده سپاه از ایران به عنوان مرکز و محور عالم اسلام و تشیع یاد کرد و این موضوع را مسبب افزایش دشمنی ها با جمهوری اسلامی دانست.

سردار سلیمانی همچنین ایران را کشوری صلح طلب

نامید که همواره با مدارا و صبورانه رفتار کرده و هیچ گزندی به کشورهای همسایه خود وارد نکرده است.

وی در این باره گفت: در طول تاریخ هیچگاه ایران اسلامی نسبت به سعودی ها به رغم نامشروع بودنشان و این که مردم هیچ گونه نقشی در سلطه و حکومت ندارند و در واقع این حکومت در سلطه یک خانواده است؛ ماجراجویی نکرده و اتفاقاً برعکس این جریان، این سعودی ها بودند که علیه ما و اسلام همواره به دنبال ماجراجویی بوده اند. فرمانده نیروی قدس درباره تهاجم حدود یکساله عربستان سعودی به کشور یمن که منجر به کشته شدن هزاران غیرنظامی شده است، گفت: مشاهده می کنیم که در یک سال گذشته، یک کشور به ظاهر اسلامی بدون رعایت هیچگونه موازین اسلامی، انسانی و حقوقی مردم این کشور را به خاک و خون می کشد.

سردار سلیمانی مردم، رهبری، قانون و حکومت را خلاصه مرام و اصول جمهوری اسلامی ایران دانست و افزود: ما در هیچ کشوری به دنبال این نبودیم که برادران سنی را شیعه کنیم و اتفاقاً برعکس، جان خود را سپر سنی ها کرده ایم.

وی با اشاره به اینکه امام راحل، ولایت فقیه را لازمه ایجاد حکومت اسلامی می دانستند، گفت: امروز دفاع از اسلام بدون دفاع از ولایت فقیه غیرممکن است و برای حفظ اسلام در حاکمیت باید این اصل را مورد توجه قرار دهیم.

فرمانده نیروی قدس سپاه وجود جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را موجب امنیت عتبات در عراق دانست و گفت: امروز با وجود موج های متلاطمی که وجود دارد، شاهد امنیت و آرامش در کشور هستیم که این شرایط به یمن وجود ولایت فقیه محقق شده است.

سردار سلیمانی همچنین گفت: ایران اسلامی برای حفظ کرامت مردم عراق جان داده است... این که ایران عراق را بلعیده است ادعایی نادرست از سوی دشمنان است چرا که آن ها نمی توانند حقیقتی که دیروز پنهان بوده و امروز آشکار شده است را برتابند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
 سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
 تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
 استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بحث

از سال ۱۳۸۲ به بعد، در سایت مرکز
 بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
 در دسترس می‌باشد

کتاب «سیر مطالعاتی تاریخ اسلام» رونمایی شد

حوزه: مراسم رونمایی
 کتاب «سیر مطالعاتی تاریخ اسلام» که توسط جمعی از اساتید و زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی و به سفارش معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه تهیه و تنظیم شده است برگزار شد.



در ابتدای این مراسم که در محل معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین حسین‌خانی معاون تهذیب حوزه‌های علمیه، با اشاره به اهمیت توجه به برنامه‌های مطالعاتی گفت: یکی از مطالبات مقام معظم رهبری از دست اندرکاران امر نشر این بوده که برنامه‌های مطالعاتی برای آحاد جامعه در بخش‌های مختلف و برای قشرهای متعدد تهیه نماید.

وی در ادامه افزود: تهیه و تنظیم سیر مطالعاتی تاریخ اسلام نگاه روشنی را در ابعاد گوناگون متوجه این معاونت کرده است، لذا این معاونت در برنامه‌های بعدی خود در صدد است سیر مطالعاتی عقاید و سیر اخلاق اسلامی را نیز رونمایی کند و این امر اهتمام بیشتری را می‌طلبد تا گام‌های موثری برداشته شود.

در ادامه این مراسم، حجت الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی با اشاره به چگونگی و عوامل تهیه و تنظیم سیر مطالعاتی تاریخ اسلام اظهار داشت: این کتاب راهنمایی است برای مشتاقان عرصه تاریخ که با استفاده از این اثر ارزشمند به منابع تاریخی که مرتبط با نیاز است به سهولت دسترسی داشته باشند و خود این امر در دسترسی به کتب و منابع در زمان و هزینه کمک شایانی به محققین و علاقه‌مندان می‌کند.

وی در ادامه افزود: منابع در این کتاب در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته با توجه به محتوای مورد نیاز محقق تقسیم بندی شده است.

در پایان مراسم حجت الاسلام والمسلمین نبوی معاون تبلیغ حوزه‌های علمیه، توجه و دقت در تهیه کتب علمی را امری ضروری عنوان کرد و ابراز داشت: این کتب به جهت غنای مطالب که منابع را به سهولت در اختیار افراد قرار می‌دهد دارای اهمیت بسزایی است، چرا که ممکن است در زمینه پاسخگویی به سؤالات متداول تاریخی به کمک بیاید.

معاون تبلیغ حوزه‌های علمیه افزود: نگارش و تحقیقات علمی در این گونه موضوعات کار زیادی را می‌طلبد و همواره نسل جدید با انبوهی از کتاب‌ها مواجه است که نمی‌تواند به آسانی به تمام موارد رجوع کند چرا که برایش در جهات متعدد مقدور نمی‌شود لذا می‌توان این اثر ارزشمند را خدمتی برای طلاب و محققین دانست.

وی در پایان گفت: معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه به منظور رشد و ارتقای سطح علمی طلاب و مبلغین نیز قصد دارد این اثر ارزشمند را در قالب نرم افزار و اندروید به جامعه علمی و عموم اقشار مردم عرضه کند.

کتاب «انقلاب کرامت در بحرین» از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد

احساسات باقی بماند؛ و با این وضعیت هیچ کار موثری در جهت حمایت از انقلاب مردم مظلوم بحرین انجام نگیرد... ما در این کتاب به جای جویا شدن حوادث بحرین از زبان تحلیل‌گران تهران نشین، به سراغ مردمان بحرین و احزاب و گروه‌های درگیر و نیز رسانه‌ها و مکتوبات خود انقلابیون برویم، لذا در طول یک سال از هر فرصتی که فراهم آمد تا با طلبه‌های بحرینی و برخی از مجاهدین و انقلابیون - که یا برای درمان و یا برای شرکت در همایش به ایران سفر نموده بودند گفتگویی کنیم تا از کسانی که خود در کف میدان و درگیر ماجرا هستند، به نقد و بررسی بپردازیم و سعی شده از زاویه دید یک منتقد با آنان گفتگو شود تا بتوانیم دو طرف ماجرا؛ یعنی خط اسقاط و خط اصلاح را واکاوی کنیم.

برخی از شخصیت‌هایی که پژوهشگر در این کتاب با آنها گفت‌وگو کرده است عبارتند از: دکتر سعید الشهبانی؛ دبیرکل حزب احرار و رئیس مجمع تقریب المذاهب لندن. حجت‌الاسلام سیدمرتضی علوی؛ از نزدیکان استاد عبدالوهاب حسین و حرکت وفاء اسلامی. دکتر عبدالرئوف شایب؛ دبیرکل حرکت خلاص. عباس العمران؛ معاون حقوق بشر حرکت احرار. محمد المشیمع؛ فرزند استاد شیخ حسن مشیمع از موسسان وفاق و دبیر کل حرکت حق. حسین عباس؛ خبرنگار و زندانی تحت تعقیب. محمد صالح العریفی؛ دبیرجمعیت بحرینی‌های حقوق بشر در آمریکا. عزیزه عبدالرضا و رباب سینگس از خانواده‌های مبارز بحرینی، ام‌عزیز؛ مادر جوان محکوم به اعدام. پدر شهید ابوتاکا و شهید الشیخ و...

دو اثر جدید آیت الله اراکی وارد بازار نشر شد

در مقوله حکومت اسلامی و مبانی نظری آن در مقاطع مختلف در کنفرانس‌های علمی در لندن است. با توجه به اهمیت موضوع حکومت در اسلام، آیت الله اراکی سعی کرده است با بهره‌گیری از ادله عقلی و نیز نقلی، مبانی حکومت در اسلام را تبیین کند.

آیت الله اراکی در این اثر حکومت را ضرورت زندگی اجتماعی دانسته و بیان می‌کند که منبع مشروعیت و قدرت - به عنوان دو عنصر مهم در حکومت‌ها- در حکومت اسلامی بر اراده خداوند و نیز رأی مردم استوار است. لذا مردم در اندیشه سیاسی اسلام بر خلاف سایر مدل‌های حکومتی دارای نقش فعال هستند.

خوانیم: «هیچ کس بحرین را نمی‌شناسد؛ حتی مدعیان فعال جهان اسلامی‌اش!! در مورد بحرین و شناخت آن، دچار جهل مرکب هستیم؛ حتی کسانی که داعیه کار جهان اسلامی دارند. وقتی از استاد عبدالوهاب حسین (آغازگر انقلاب)، علامه عبدالجلیل مقداد و استاد مشیمع نام برده می‌شود، می‌بینید هیچ کس آنها را نمی‌شناسد و از میان فعالان بحرین، تنها به ذکر نام‌هایی هم‌چون آیات القرمزی، آیت الله شیخ عیسی و شیخ علی سلمان، اکتفاء می‌شود!

نوروزی در ادامه با طرح سئوال «چرا کمک‌های ما به بحرین مؤثر واقع نمی‌شود؟! می‌نویسد: عدم شناخت ما از رهبران بحرین موجب می‌گردد تا برزنگاه حوادث خصوصاً وقتی که دادگاه تجدید نظر آل خلیفه حکم حبس ابد را برای جمعی از فعالان از جمله «استاد عبدالوهاب حسین» به عنوان آغازگر انقلاب اخیر بحرین، «عبدالهادی الخواجه» محور انقلاب بحرین، «حسن مشیمع» رهبر گروه «جنش حق» بحرین و «عبدالجلیل مقداد» به عنوان عالمی انقلابی که درس خارج فقه او در بحرین معروف است تأیید می‌کند، هیچ فریادی از ما بلند نشود؛ این مسأله به عنوان نشانه‌ای از عدم شناخت ما از انقلاب بحرین و مردمانش کافی است. این موضوع باعث می‌شود که حتی در جامعه ایرانی که دغدغه انقلاب بحرین، اوج می‌گیرد، هیچ کس گروه‌ها و شخصیت‌های انقلابی را نشناسد و لذا در حد اطفاء



کتاب «انقلاب کرامت در بحرین» مجموعه گفتگو با صاحب‌نظران و فعالان انقلابی بحرینی از سوی دفتر نشر معارف وارد بازار نشر شد.

سانسور شدن اخبار مبارزات مردم بحرین، عدم اطلاع‌رسانی و یا اطلاع‌رسانی ناقص و غیرواقعی توسط رسانه‌ها، چه داخلی و چه بین‌المللی، فقط به بی‌اعتنایی دولت‌ها و دولتمردان ختم نمی‌شود، بلکه آنچه این مظلومیت را مضاعف می‌کند، بی‌خبری اغلب دوستداران مردم بحرین از پیشینه و تاریخچه مبارزات مردم بحرین با خاندان آل خلیفه است.

ایمان نوروزی، پژوهشگر مسائل جهان اسلام و تدوینگر این کتاب به جای جویا شدن حوادث بحرین از زبان تحلیل‌گران تهران‌نشین، به سراغ مردمان بحرین و احزاب و گروه‌های درگیر و نیز رسانه‌ها و مکتوبات خود انقلابیون رفته است، لذا ارزش مجموعه پیش رو، روایت مستقیم کسانی است که خود از نزدیک با مزدوران آل خلیفه دست و پنجه نرم کرده‌اند. این کتاب که نخستین کتاب جدی در شناخت تحلیل انقلاب مردم مظلوم بحرین است، درپچه‌هایی جدید از وقایع و حوادث و انقلابیون بحرین پیش روی مخاطبان می‌گذارد که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است و قطعاً تغییر دید بسیاری از کارشناسان و مخاطبان ایرانی را در این خصوص به همراه خواهد داشت.

در بخشی از مقدمه پژوهشگر و تدوینگر کتاب می‌

دو کتاب «نگاهی به رسالت و امامت از دیدگاه قرآن کریم» و «کاوشهایی در مبانی نظری حکومت دینی» تألیف آیت الله محسن اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب وارد بازار نشر شد.

کتاب «نگاهی به رسالت و امامت از دیدگاه قرآن کریم» در ۱۱۶ صفحه توسط نشر معارف به زور طبع آراسته شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

این کتاب شامل برخی از مقالات و نیز سخنرانی‌های آیت الله اراکی در زمینه موضوع رسالت و امامت از دیدگاه قرآن کریم است که در مقاطع مختلف در لندن ایراد شده است. آیت الله اراکی با توجه به اهمیت رسالت و امامت در اندیشه سیاسی اسلام در این اثر سعی کرده

است با استناد به آیات قرآن کریم اهمیت این جایگاه را اثبات کند.

در این کتاب آمده است که هدف از بعث انبیاء و تعیین امام از سوی خداوند برپایی عدل از طریق تشکیل حکومت است که این امر بعد از خاتم‌الانبیاء(ص) توسط اهل بیت(عهم) ایشان که امامان بعد از ایشان هستند ادامه یافته است.

کاوش‌هایی در مبانی نظری حکومت دینی
 همچنین کتاب «کاوشهایی در مبانی نظری حکومت دینی» در ۱۳۴ صفحه توسط نشر معارف به زور طبع آراسته شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. این کتاب شامل بخشی از مقالات آیت الله اراکی

در اختتامیه هشتمین جشنواره بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور نشان ناشر برگزیده را دریافت کرد

موضوع و ... برخی از ویژگی‌های این نرم‌افزار کتابخانه اندرویدی است.

مدیر بخش ارتباطات و تبلیغات مرکز نور با اشاره به کسب نشان سرآمد توسط «سامانه مشابه‌یاب سمیم نور» در عنوان پایگاه اینترنتی علمی، پژوهشی و دانشگاهی، بخش پایگاه‌های اینترنتی و



صفحه آرایی، صحافی و طراحی و ... از ویژگی‌ها و برجستگی‌های نشر دیجیتال است که با تلاش کارشناسان نور این افتخار نصیب مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شد.

رحمانی اظهار کرد: در سال ۱۳۹۴، نشر چند هزار جلد کتاب از طریق تولید حدود

۷۰ عنوان نرم‌افزار دسکتاپی در قالب‌های کتابخانه‌ای، معجم موضوعی، دانشنامه‌ای همراه با پیشرفته‌ترین فناوری برنامه‌نویسی و امکانات و قابلیت‌های پژوهشی؛ همچنین نشر کتب از طریق نرم‌افزارهای تلفن همراه تنها بخشی از خدمات مرکز نور بوده است.

وی با اشاره به نرم‌افزار اندرویدی «همراه نور» اثر شایسته تقدیر در بخش نرم‌افزارهای تلفن همراه هشتمین جشنواره رسانه‌های دیجیتال گفت: این نرم‌افزار کتابخانه‌ای امکان دسترسی به چندین کتاب در حوزه علوم اسلامی و انسانی را با امکانات و قابلیت‌های پژوهشی همچون جستجوی پیشرفته در متن کتاب‌ها فراهم می‌کند.

رحمانی ادامه داد: امکان مطالعه آفلاین، بوکمارک‌گذاری صفحات، اضافه کردن یادداشت، مدیریت ویژگی‌های نمایش متن، امکان انتخاب و به اشتراک گذاری متن، ویجت کتاب‌های اخیر، بخش علاقه‌مندی‌ها، ارائه فهرست براساس نویسندگان و

رسانه‌های برخط این جشنواره گفت: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در زمینه وب نیز محصولات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران و محققان قرار داده است که از جمله آن‌ها پایگاه اینترنتی سمیم نور است.

وی افزود: این وبگاه با استفاده از فنون مشابهت‌یابی و با بهره‌گیری از اطلاعات متنی (اعم از مقاله و کتاب و ...) به بررسی میزان مشابهت مقاله ارائه شده با محتوای اطلاعاتی خود می‌پردازد. از این رو، متونی را که مشکوک به انجام انواع سرقت علمی و سوء رفتار پژوهشی هستند، برای قضاوت کاربر بازیابی می‌کند.

رحمانی ادامه داد: پایگاه اینترنتی مجلات تخصصی نور بزرگترین بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی، پایگاه اینترنتی کتابخانه دیجیتال نور برترین پایگاه کتابخانه‌ای علوم اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، پایگاه اینترنتی اندیشوران، پایگاه اینترنتی جامع الاحادیث، پایگاه اینترنتی متن کاوی، سداد نور، نورنگ و ... از دیگر محصولات تحت وب نور هستند.